

شهرداری در نگهداشت تهران موفق بود

صفحه ۸



روزنامه

www.marzeghtesad.ir

روزنامه اقتصاد

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی

شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴

۲۲ صفر ۱۴۴۷/ ۱۶ آگوست ۲۰۲۵

شماره ۷۴۰

۸۰۰۰ تومان

مناقشه جدید خودرویی با حکم تعزیرات



۳

هت تریک هفتگی بورس



۵

ر کود شش ماهه صنعت



۷

قانون سقف بودجه قانونی نیست



صفشکنی تخصیص ارز

همچنین روند ترخیص کالا از گمرکات را با تاخیر و اختلال مواجه کرد: اختلالی که...

صفحه ۲

وقت تصمیم سخت

این سازمان برای تحقق این مأموریت قانونی، وظایفی بر عهده دارد: از جمله...

صفحه ۴

آغاز عصر یونیکورن انفرادی

جرقه ایده‌ای برای ایجاد یک استارت‌آپ هوش مصنوعی مولد به ذهنش رسید که به افرادی مانند...

صفحه ۶

مناقشه جدید خودرویی با حکم تعزیرات

کریم حسن پور - صدور حکم محکومیت اعضای حقیقی هیات‌مدیره ایران خودرو از سوی سازمان تعزیرات، بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره سر نوشت خصوصی‌سازی صنعت خودرو و میزان پایداری دولت به واگذاری واقعی مدیریت این صنعت به میان آورده است.

تعزیرات حکومتی تهران که بدون توجه به ملاحظات تولیدی و مخاطرات سهامداری و بورسی و کارگری و بدون کمترین عنایت به دفاعیات قانونی شرکت ایران خودرو در این پرونده صادر شده، اقدام به انتشار این اطلاعیه کرده و مکلف به اجتناب فوری از فروش آتی انواع خودروهای تولیدی با قیمت‌های ۲۰ خردادماه سال جاری شده است.

صدور حکم از سوی سازمان تعزیرات و سپس واکنش ایران خودرو به آن به روز بعد هم کشانده شد؛ به‌طوری‌که یاسر رایگانی مدیرکل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی در صبح ۲۳ مردادماه ضمن اشاره به اثبات گران‌فروشی میلیاردی ایران خودرو، اعلام کرد که «اعضای حقیقی هیات‌مدیره این شرکت محکوم شدند و علاوه بر الزام به فروش خودروهای تولیدی با قیمت مصوب قبلی، با ممنوعیت برخی فعالیت‌های شغلی مواجه شدند».

طبق گفته رایگانی، بر اساس گزارشی که سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ارائه داده بود، گران‌فروشی این خودروساز به مبلغ هشت هزار و ۱۲۱ میلیارد ریال می‌رسد. وی در این باره توضیح داد: «پس از دریافت گزارش سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مبنی بر گران‌فروشی به مبلغ هشت هزار و ۱۲۱ میلیارد ریال، این شعبه در جلسه‌ای با حضور اعضای هیات‌مدیره، ضمن صدور حکم محکومیت، ایران خودرو را ملزم به فروش مستمر و علی‌الحساب خودروهای تولیدی به قیمت مصوب قبلی کرد».

رایگانی در ادامه جزئیات بیشتری از رای سازمان تعزیرات را شفاف‌سازی کرد و در این باره گفت: «به استناد ماده ۲۹ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی (اصلاحی ۱۲ فروردین ۱۴۰۳)، قرار تامین اشخاص حقوقی مبنی بر ممنوعیت انجام برخی فعالیت‌های شغلی که زمینه‌ساز تکرار تخلف است، صادر شد».

اظهارات رایگانی اما از سوی شرکت خودروساز بی‌پاسخ نماند و ایران خودرو در همان روز اقدام به انتشار اطلاعیه‌ای کرد. فحواً کلام ایران خودرو در این اطلاعیه این است که روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی با استفاده از لفظ «اثبات گران‌فروشی» -در حالی که هنوز رای قطعی صادر نشده و امکان اعتراض و تجدیدنظر وجود دارد- سعی دارد پیش از موعد، پیروزی احتمالی گروهی خاص را اعلام کند. این اقدام می‌تواند به تولید و سرمایه‌گذاری در کشور آسیب بزند. ایران خودرو در این اطلاعیه به صراحت اعلام می‌کند که در این پرونده نه تخلفی از باب گران‌فروشی احراز شده است و نه اثبات. در بخش پایانی هم، این شرکت بزرگ خودروساز به تغییر قیمت محصولات خود در زیر سایه افزایش نیادهای تولید اشاره می‌کند. به گفته این خودروساز، تغییر قیمت محصولاتش قانونی بوده است، چراکه این تغییرات با وجود افزایش بیش از ۵۵ درصدی هزینه‌های تولید (که توسط دولت کنترل نشده) از آبان ۱۴۰۳ به‌روز نشده بود.

ایران خودرو معتقد است که وزارت صمت و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، با وجود ابطال ضوابط قیمت‌گذاری توسط دیوان عدالت اداری و ممنوعیت قیمت‌گذاری در بازارهای غیر انحصاری طبق قانون برنامه هفتم توسعه، از ابزار تعزیرات (که تحت نظر دولت است) برای فشار استفاده می‌کنند. این فشار، حقوق سهامداران و کارگران ایران خودرو را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

سسر آخر، پاسخ تعزیرات به اطلاعیه ایران خودرو در ساعت ۱۷ روز ۲۳ مردادماه تا زمان نگارش این مطلب، پایانی بود بر پیغام و پستام‌ها حول محور رای سازمان. در همین زمینه یاسر رایگانی مدیرکل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی در واکنش به اطلاعیه ایران خودرو درباره حکم تعزیرات، تاکید کرد که ادعای شرکت مبنی بر ابهام در دستور فروش خودرو و اشاره به دفاعیات قانونی، کاملاً مردود است.

مدیرکل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی در‌باره قرار تامین توضیح داد: این اقدام با گزارش کارشناسی سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در مورد تایید گران‌فروشی انجام شده و پس از انجام تمام تشریفات قانونی و با تبیین دقیق اتهام به نمایندگان حقوقی شرکت صادر شده است.

وی افزود: هدف از این حکم، جلوگیری فوری از توسعه موضوعات پرونده و اطلاع‌رسانی عمومی مطابق مقررات قانونی است و اقدام قاطع و قانونی رئیس شعبه دوم بدوی تهران شایسته تقدیر است. حالا باید دید در ادامه، این نامه‌نگاری‌ها میان سیاستگذاران و شرکت خودروساز به کجا ختم خواهد شد و آیا رای دیوان عدالت اداری در مورد شکایت ایران خودرو از ۶ نهاد دولتی پایان‌بخش این تقابل ایجاد شده در بحث قیمت‌گذاری خواهد بود یا کم‌اکن ایهامات باقی خواهد ماند.

حالا دولت، ایران‌خودرو را به گران‌فروشی متهم می‌کند و مدیریت خصوصی نیز دولت را به دخالت در بنگاه خصوصی متهم می‌کند که کنترل رشد زیان را در برنامه خود قرار داده است.نتیجه این نوع تقابل‌ها این شده که خریداران بالقوه سهام سایپا نیز به دلیل پیش‌بینی مواجهه با چالش‌هایی مشابه، از ورود به معامله پا پس کشیده‌اند.

بدین ترتیب بازار اکنون به روشنی دریافت‌ه که خصوصی‌سازی در صنعت خودرو در شکل کنونی آن، بیش از آنکه به معنای انتقال واقعی قدرت تصمیم‌گیری باشد، در عمل به واگذاری بخشی از مسوولیت‌ها بدون رهاسازی کنترل کلیدی توسط دولت شباهت دارد؛ مدلی که نه تنها سرمایه‌گذار را جذب نمی‌کند، بلکه زمینه‌ساز تنش‌های حقوقی و اقتصادی تازه خواهد بود. در این میان، سکوت شورای رقابت به‌عنوان متولی قیمت‌گذاری خودرو عجیب است.

مکاتبات پرتنش

همان‌طور که عنوان شد، کشمکش میان وزارت صمت و ایران خودرو بر سر قیمت‌گذاری خودرو با حکم سازمان تعزیرات حکومتی وارد فاز جدیدی شد. اکنون این سازمان دولتی که زیر نظر وزارت دادگستری فعالیت می‌کند، پای خود را به این پرونده باز کرده است. این اقدام با توجه به عدم تمکین ایران‌خودرو به قیمت مصوب ۱۵ درصدی وزارت صمت و اعلام قیمت ۲۲.۳ درصدی برای محصولات تولیدی در قالب یک مصوبه در میانه خردادماه، قابل پیش‌بینی و دور از ذهن نبود.

ماجرا چهارشنبه گذشته از حکم شعبه دوم بدوی سازمان تعزیرات حکومتی تهران آغاز شد. بر اساس این حکم، شرکت ایران خودرو باید تا زمان صدور رای نهایی، فروش خودروهای خود با قیمت‌های جدید را متوقف و عرضه را با نرخ‌های قبلی انجام دهد ضمن اینکه این دستور تا زمانی که پرونده در تعزیرات حکومتی بررسی و رای نهایی صادر شود، پابرجا خواهد بود.

چکیده حکم این سازمان دولتی از الزام به فروش خودروهای تولیدی با قیمت مصوب قبلی با ممنوعیت برخی فعالیت‌های شغلی خبر می‌دهد. در این حکم عیناً آمده است که قرار تامین اشخاص حقوقی مبنی بر ممنوعیت از انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی، الزام به عرضه و فروش مستمر و علی‌الحساب خودروهای آتی صرفاً مطابق نرخ‌های سابق (منطبق با ضوابط قیمت‌گذاری) و اجتناب فوری از فروش آتی انواع خودروهای تولیدی خودروساز بر اساس لیست قیمت اعلامی که در تاریخ ۲۰ خردادماه امسال توسط مدیرعامل شرکت در سامانه کدال منتشر شد، صادر شده است.

در ادامه، حکم سازمان تعزیرات حکومتی همان روز در ساعت حدود ۱۸ از سوی ایران خودرو با انتشار اطلاعیه‌ای پاسخ داده شد. در اطلاعیه ایران خودرو خطاب به سازمان تعزیرات، اشاره شده که این دستور ایهامات بسیار جدی در اجرا دارد و بدون رعایت اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده فقهی لاضرر صادر شده است.

ایران خودرو در ادامه تاکید کرده که اقدامات این شرکت در مورد تغییر قیمت، قانونی بوده و وفق رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری و بر اساس ترک فعل ارگان‌های ذی‌ربط در کشور بوده است. در ادامه اطلاعیه این خودروساز عیناً آمده است که «شرکت ایران خودرو در راستای اجرای دستور رئیس محترم شعبه دوم بدوی

این رای در شرایطی صادر شد که بهمن سال گذشته، همزمان با انتقال مدیریت بزرگ‌ترین خودروساز کشور به بخش خصوصی، بسیاری تصور می‌کردند حکمرانی دولت در صنعت خودرو رو به پایان رسیده و برگ تازه‌ای در این صنعت ورق خورده است.

با این حال، رویدادهای ماه‌های اخیر و اکنون صدور حکم سازمان تعزیرات نشان می‌دهد که دولت با وجود واگذاری مدیریت، همچنان قصدی برای کنار کشیدن کامل از تصمیم‌گیری‌های کلیدی ندارد. روز چهارشنبه، سازمان تعزیرات حکومتی که زیرمجموعه وزارت دادگستری است، اعلام کرد در پی اثبات گران‌فروشی میلیاردی ایران‌خودرو، اعضای حقیقی هیات‌مدیره این شرکت به فروش خودروهای تولیدی با قیمت مصوب قبلی ملزم شده و با ممنوعیت‌هایی در برخی فعالیت‌های شغلی مواجه شده‌اند.

این حکم در حالی صادر شد که ایران‌خودرو پیش‌تر در تیرماه امسال، با طرح شکایتی در دیوان عدالت اداری، دولت را به دلیل عدم اجرای تکلیف ماده ۹۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورد خطاب قرار داده بود؛ ماده‌ای که دولت را موظف می‌کند مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و هزینه تمام‌شده خودروهای تولیدی فروخته‌شده را پرداخت کند. این شکایت و حکم تازه، عملاً رویارویی حقوقی میان دولت و بزرگ‌ترین خودروساز کشور را وارد فاز تازه‌ای کرده است.

هرچند ایران‌خودرو اعلام کرده تا زمان صدور رای قطعی، به حکم دادگاه بدوی و الزام عرضه خودرو با قیمت ابلاغی وزارت صمت تمکین کرده است، اما هم‌زمان بر لزوم رعایت روند قانونی تعیین قیمت‌ها، ملاحظات تولیدی و مخاطرات سهامداری و کارگری تاکید کرده است. این مواضع، نشان‌دهنده چالشی عمیق در پس‌زمینه واگذاری است؛ چالشی که ریشه آن در نبود اجماع کلی بر سر خصوصی‌سازی واقعی ایران‌خودرو می‌نمعت است.

واگذاری سهام مدیریتتی ایران‌خودرو در فضایی انجام شد که مخالفان و موافقان از تمام ابزارهای ممکن برای پیشبرد موضع خود استفاده کردند، تا جایی که حتی وزیر اقتصاد نیز در این مسیر با استیضاح مواجه شد. اکنون روشن شده است که این واگذاری بدون اجماع و پشتوانه دولتی بوده چرا که با هر تصمیم و حکم تازه، خطوط تقابلی میان دولت و بخش خصوصی پررنگ‌تر می‌شود. نتیجه این وضعیت، تضعیف کارکرد خصوصی‌سازی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران بالقوه به آینده این صنعت است.

فشار از اینکه در این پرونده حق با ایران‌خودرو به عنوان یک شرکت خصوصی است یا با وزارت صمت و سازمان حمایت، آنچه عیان است دخالت‌های مستمر دولت در قیمت‌گذاری و تصمیمات عملیاتی پس از واگذاری است که حواشی فراوانی برای فرایند خصوصی‌سازی دومین صنعت بزرگ کشور ایجاد کرده است. این حواشی نه‌تنها مانع تحقق اهداف واگذاری شده بلکه هزینه‌هایی را برای دولت به همراه داشته است.

آنچه مشخص است دولت پیش از موافقت با واگذاری مدیریت بزرگ‌ترین شرکت خودروسازی کشور باید به شفاف‌سازی موضوعاتی همچون قیمت‌گذاری دستوری و یا حدود و اختیارات دولت در خودروسازی می‌پرداخت این در شرایطی است که با مخالفت ندهای در بدنه دولت با واگذاری سهام به شرکت کروز، این موارد نه تنها شفاف‌سازی نشد بلکه دسواویزی برای شکایت دو طرف شد.

هرچند پیوستن به کنوانسیون پالرمو به معنای خارج شدن ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی نیست و پیش‌شرط خروج از این لیست و پیوستن به لیست خاکستری(که همچنان تا ورود به لیست سیاه فاصله دارد)، مستلزم پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم یا CFT نیز هست، اما این اقدام خود گامی مثبت در جهت شفافیت مالی و پیوستن به بازارهای مالی جهانی است. واقعیت آن است که از سال ۲۰۰۹ که ایران برای نخستین بار در لیست سیاه FATF قرار گرفت در همکاری با بانک‌های جهان دچار چالش جدی شد. چراکه قرار گرفتن در این لیست به معنای رساندن این پیام به همه بانک‌ها و موسسات مالی جهان است که با کشوری که در لیست سیاه قرار دارد، همکاری نداشته باشند. بنابراین حتی در شرایطی که کشور تحت تحریم نیست به دلیل قرار گرفتن در این لیست نمی‌تواند با بانک‌های دنیا مبادلات مالی داشته باشد که خود به معنای انزوای شدید اقتصادی در دنیایی است که سال‌هاست در مسیر تسهیل انجام مبادلات تجاری بین کشورها در فضای فناوریانه جدید است. تلاش‌های ایران در سال ۲۰۱۵ و پس از توافق برجام برای گفت‌وگو با گروه اقدام ویژه مالی برای گشایش در مبادلات بانکی منجر به ارائه برنامه اقدامی از سوی FATF، به ایران شد تا به طور موقت و در صورت انجام اصلاحات قانونی توسط ایران تا سال ۲۰۱۸، اقدامات مقابله‌ای را تعلیق کند. این اصلاحات در قالب چهار لایه تعریف شده بود که عبارت بود از اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی، اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، پیوستن به کنوانسیون پالرمو و پیوستن به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم. دولت وقت لویج را آماده کرد و به مجلس فرستاد. دو لایحه نخست، یعنی اصلاح قوانین پول‌شویی و تامین مالی تروریسم، به تصویب رسید و اجرا شد. اما مسیر دو لایحه دیگر، یعنی پیوستن به پالرمو و کنوانسیون CFT، به آسانی پیش نرفت. مخالفت‌های جدی در برخی نهادها شکل گرفت؛ مخالفانی که استدلال می‌کردند پذیرش این کنوانسیون‌ها ممکن است منجر به «افشای اطلاعات مالی کشور» شود. همین اختلافات، تصویب لویج را متوقف و روند همکاری با FATF را نیمه‌تمام گذاشت. به این ترتیب ایران مجبور در لیست سیاه قرار گرفت.

برخی تبعات نپیوستن به FATF متأسفانه عدم قبول شروط گروه اقدام ویژه مالی توسط ایران- که به نظر می‌رسد مبتنی بر عدم دانش و آگاهی لازم در خصوص مناسبات و الزامات انجام مبادلات اقتصادی و مالی در دنیا است- سبب شد تا کشور در ۱۵ سال اخیر در سخت‌ترین شرایط و فشار اقتصادی قرار گیرد. برخی از هزینه‌های نپیوستن به FATF را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

ایران کشوری است که به دلیل برخورداری از منابع غنی نفت، گاز و معادن غنی، مزیت مناسبی برای انجام مبادلات اقتصادی با بین‌الملل را داراست. حتی همواره به عنوان کشور تک محصولی(نفت) شناخته می‌شده است. در چنین شرایطی استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی کشور، مراودات اقتصادی با دنیا، یک ضرورت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است. هیچ منطق و دانش اقتصادی عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی کشور در قالب مبادلات بین‌المللی را تایید نمی‌کند. مبادلات بین‌المللی نیز تابع قوانین و مقررات بین‌المللی است. آن‌چنان که تمام کشورهای دنیا برای انجام چنین مبادلاتی از قوانین مربوطه تبعیت می‌کنند. ورود به لیست سیاه گروه اقدام ویژه مالی در تمام این سال‌ها به معنای آن است که هیچ بانک یا موسسه مالی تمایلی برای همکاری با ایران را نخواهد داشت. از این رو ایران برای انجام مبادلات بین‌المللی ناچار از یافتن راه‌های غیررسمی یا بازگشت به عصر مبادلات کالا به کالا در دنیای مدرن امروز بوده است. وقتی مبادلات بین‌المللی از طریق مجاری مالی رسمی، بانک‌ها و موسسات مالی در کشورها میسر نمی‌شود، افزایش هزینه تجارت خارجی، کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تشدید اثر تحریم‌ها را به دنبال دارد.

در تمام این سال‌ها شاهد بوده‌ایم که در تجارت خارجی ناگزیر از روی آوردن به سازوکارهای پرهزینه مثل کار با صراف‌ها یا بانک‌های درجه دو در کشورهای ثالث بوده‌ایم که خود هزینه‌های کارمزدی بالا، کاهش سرعت انتقال پول و حتی بلوکه شدن پول را به همراه داشته است. شاهد بوده‌ایم که سرمایه‌گذاران خارجی در بخش‌های غیر تحریمی نیز به دلیل رتبه بالای ریسک مالی ایران، تمایلی به سرمایه‌گذاری در ایران نداشته‌اند.

قرار گرفتن در لیست سیاه سبب شده است که اثرات تحریم هم تشدید شود. چرا که با ایجاد محدودیت برای کشورهای که تحت تحریم نیستند، در ترکیب با تحریم‌های اروپا و آمریکا، محدودیت‌های بیشتری را ایجاد و عملاً راه‌های تعامل رسمی بانکی را به حداقل می‌رساند و این خود به معنای هزینه‌های بیشتر در انجام مبادلات بین‌المللی برای ایران است.

چالش‌های ایجاد شده در مبادلات بین‌الملل، سبب شده است که درآمد حاصل از صادرات به سختی تامین می‌شود، عرضه ارز در کشور با محدودیت‌های جدی مواجه می‌شود که منجر به افزایش‌های دوره‌ای نرخ ارز در کشور و در نتیجه تورم، کاهش قدرت خرید مردم، گسترش فقر، عدم رشد اقتصادی یا رشد بی‌کیفیت و... شده است.

روزنامهٔ مارز اقتصاد

شنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۰
www.marzeghtesad.ir

و حمایت از سبد غذایی آنها باشد.

او گفت: بنا بر مصوبه هیات دولت، قرار است طرح کالاپرگ در راستای کمک به اقشار کم درآمد و حمایت از سبد غذایی آنها باشد.

از این رو، اگر بازرسان ما که رصد میدانی دارند، گزارش مبنی بر تخلف فروشگاه‌های اعلام کنند بدون چشم‌پوشی کد تریمینال فروشگاه‌های متخلف مسدود می‌شود. او با اشاره به اینکه با توجه به گرانی برنج استقبال از اینکه کالا زیاد بوده است گفت: برنج در صدر و سپس حبوبات و گوشت قرمز و گوشت سفید در سبد خرید مشمولین بوده است.

دبیری درباره اینکه آیا با حذف یارانه ثروتمندان

طرح کالاپرگ ادامه دارد یا خبر گفت: طبق اظهارات

وزیر کار با حذف سه دهک بالا تنها ۵ همت منبع مالی به دست می‌آید که برای کالاپرگ هفت دهک

دیگر به ۲۵ همت نیاز داریم؛ بنابراین حذف یارانه

دهک‌های ۸ تا ۱۰ کمکی به تامین منابع کالاپرگ

نمی‌کند. او با اشاره به اینکه برای طرح کالاپرگ هنوز

تصمیم نهایی گرفته‌نشده است گفت: به نظر می‌رسد

که ادامه طرح کالاپرگ فقط برای سه دهک اول باشد.

اما هنوز نتیجه نهایی نشده است.

آزمون وسع یارانه‌گیران هر ۶ ماه یک بار برگزار

می‌شود و افراد بین دهک‌های درآمدی جابه‌جا

می‌شوند. او درباره تامین برخی کمبودها که در

فروشگاه‌ها وجود دارد، اظهار کرد: وزارت جهاد

کشاورزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت در این

طرح وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را همراهی

می‌کنند. ناظران میدانی این وزارت‌خانه‌ها طی رصدی

از فروشگاه‌های تحت پوشش طرح انجام می‌دهند

اگر کمبودی در فروشگاه‌های مشاهده شود گزارش شده

و به سرعت مایحتاج تامین می‌شود.

مرو: تجربه‌های جهانی: شرط لازم موفقیت؛

ثبات اقتصادی

بیش از ۵۰ کشور طی دهه‌های گذشته دست

به حذف صفر از پول ملی خود زده‌اند. مطالعه

تطبیقی نشان می‌دهد که موفقیت یا ناکامی این

سیاست بیش از آنکه به ابعاد فنی آن وابسته باشد،

به زمینه‌های اقتصادی، ساختار حکمرانی و همزمانی

آن با اصلاحات کلان اقتصادی مرتبط است. در

موارد موفق، مانند ترکیه در سال ۲۰۰۵، حذف

صفر از لیر ترکیه در زمانی انجام شد که تورم

کنترل شده بود، نظام مالی نسبتی از ثبات را تجربه

می‌کرد و اصلاحات بنیادین در سیاست‌های مالی

و پولی در حال اجرا بود. این سیاست در کنار سایر

برنامه‌های بازسازی اقتصادی موجب تقویت اعتماد

عمومی و تسهیل مبادلات مالی شد. در مقابل، در

کشورهایی نظیر زیمبابوه، ونزوئلا و یوگسلاوی سابق

که در شرایط تورم افسارگسیخته، بی‌ثباتی سیاسی

و ضعف نهاد‌های حکمرانی اقدام به حذف صفر

کردند، نتنها سیاست مزبور شکست خورد، بلکه

بارها مجبور به معرفی پول جدید و حذف مجدد

صفرها شدند. در این کشورها، حذف صفر نه‌تنها

بحران را حل نکرد، بلکه گاه به تشدید آن انجامید.

ایران: شرایط متفاوت، تصمیم مشابه

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از

نااطمینانی‌ها مواجه بوده است: نرخ تورم دو رقمی

مزمن، کاهش ارزش ریال، کسری بودجه ساختاری،

کاهش سرمایه‌گذاری مولد، نوسانات شدید در بازار

ارز و فشار ناشی از تحریم‌ها در این شرایط، ساختار

اقتصاد ایران بیش از آنکه نیاز به اصلاح ظاهری

داشته باشد، به اصلاحات عمیق در بودجه دولت،

شفاف‌سازی نظام بانکی و تقویت تولید نیازمند است.

بر این اساس، انتظار از حذف صفر به‌عنوان یک

«راحتل اقتصادی»، انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست؛

زیرا در غیاب اصلاحات ساختاری، تغییر ظاهری

اسکناس‌ها نمی‌تواند موجب مهار تورم، ارتقای

بهره‌وری یا افزایش رشد اقتصادی شود. با این حال،

نیاید از مزایای این سیاست نیز غافل ماند.

مزایای جانبی و غیرمستقیم حذف صفر

اگرچه حذف صفر از پول ملی در سطح کلان

اقتصادی، به‌تنهایی نمی‌تواند موجب تغییرات

بنیادین در متغیرهایی چون تورم، رشد اقتصادی

یا بهره‌وری شود؛ اما آثار روانی و عملیاتی آن در

برخی سطوح قابل توجه است. این سیاست می‌تواند

در بازسازی برخی مولفه‌های ذهنی، فنی و ارتباطی

نقش ایفا کند؛ .



صف‌شکنی تخصیص ارز

مریم لطفی –چند نرخی بودن بازار ارزی یکی از چالش‌های دیرینه اقتصاد ایران به شمار می‌رود. این سیاست که با هدف حمایت از فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان اجرا شده بود، در عمل باعث سر در گمی، تشکیل صف‌های طولانی تخصیص ارز و افزایش نااطمینانی برای فعالان اقتصادی شده است.

ارز و مدیریت بازار، تشدید هم گردید، بانک مرکزی در این دوره تلاش کرد نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی را تقریباً در محدوده‌ای ثابت نگه دارد؛ این هدف از طریق عرضه ارز به صورت بازارساز محقق می‌شد.

هدف اصلی این سیاست‌ها کنترل نوسانات بازار و کاهش آسیب‌پذیری فعالان اقتصادی بود، اما در عمل پیامد معکوسی داشت؛ چراکه صادرکنندگان را به کاهش فعالیت‌های صادراتی ترغیب می‌کرد. علت این امر آن بود که آنان ملزم بودند ارز حاصل از صادرات خود را با نرخِ

پایین‌تر از بازار آزاد در سامانه نیما عرضه کنند و در صورت عدم انجام این کار، متخلف شناخته می‌شدند. این شرایط موجب شد برخی صادرکنندگان به «کم‌اظهاری» یا تاخیر در بازگشت ارز روی آورند، که نتیجه آن کاهش بیشتر عرضه ارز در بازار بود.

این در حالی است که به عقیده کارشناسان اگر نرخ ارز در بازار نیما با نرخ بازار آزاد هم‌سطح می‌شد، انگیزه عرضه ارز توسط صادرکنندگان نیز افزایش می‌یافت. از سوی دیگر، تعیین نرخ پایین‌تر در نیما نسبت به بازار آزاد، باعث ایجاد تقاضای مازاد آن نیز می‌گردید، زیرا در عمل نوعی رانت ارزی به متقاضیان تعلق می‌گرفت.

در ادامه، از سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، چارچوبی ایجاد شد که طی آن تامین ارز برای واردات صرفاً باید از طریق بانک مرکزی انجام شود. در این چارچوب، یکی از مراحل الزامی برای ترخیص کالا از گمرک، ارائه کد رهگیری ساتا بود تا منبع ارز کالاهای وارداتی مشخص شود و بدون آن امکان ترخیص کالا وجود نداشت.

هزار توی تخصیص ارز برای کالاهای وارداتی

در شرایط کنونی، فرایند واردات و ترخیص کالا برای فعالان اقتصادی با پیچیدگی‌ها و هدررفت زمان و منابع قابل توجهی همراه است. واردکننده برای تامین کالاهای مورد نیاز تولید یا کالاهای نهایی ابتدا باید ثبت‌سفارش انجام دهد. سپس دستگاه اجرایی مرتبط وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی یا وزارت بهداشت این سفارشات را بررسی و تایید می‌کند. پس از این مرحله، درخواست به بانک مرکزی ارسال می‌شود تا

براساس گزارش بانک مرکزی، در چارچوب مدیریت نقدینگی بازار بین بانکی، بانک مرکزی در هفته منتهی به ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴، با اتخاذ موضع «توافق بازخريد» (ریپو)، به تزریق نقدینگی در بازار بین بانکی اقدام کرد. به نظر می‌رسد هدف بانک مرکزی با هدف کاهش نوسانات نرخ سود در بازار بین بانکی و حفظ آن در کریدور ۲۲ تا ۲۴ درصد انجام می‌شود. در هفدهمین حراج عملیات بازار باز که در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ برگزار شد، ۲۰ بانک و موسسه اعتباری غیربانکی شرکت کردند. مجموع سفارش‌های ارسال شده از سوی شرکت کنندگان ۳۶۷ هزارمیلیارد تومان بود که از این میان، بانک مرکزی با تزریق ۲۲۹ هزارمیلیارد تومان نقدینگی در قالب توافق بازخريد ۷ روزه و با حداقل نرخ ۲۰۰ درصد موافقت کرد. این اقدام در حالی صورت گرفت که ارزش توافق بازخريد سررسید شده در این دوره ۳۳۰ هزارمیلیارد تومان بود و مانده توافق بازخريد سررسید نشده نیز به ۲۲۹ هزارمیلیارد تومان رسید. علاوه بر عملیات بازار باز، بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی در هفته منتهی به ۲۰ مرداد ۱۴۰۴، از ابزار اعتبارگری قاعده‌مند نیز برای مدیریت نقدینگی خود استفاده کردند. این ابزار به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا در مواقع نیاز، با وثیقه گذاشتن اوراق مالی اسلامی دولتی، از بانک مر کزی با نرخ سقف دالان نرخ سود (۲۴ درصد) اعتبار دریافت کنند. بر اساس جدول منتشر شده، در این هفته، به جز روزهای تعطیلی بازار سرمایه و تعطیل رسمی (۱۶ و ۱۷ مرداد ماه)، روزانه ۱۶ بانک و موسسه اعتباری از این امکان استفاده کرده‌اند.

شطرنج قدرت‌ها در آلاسکا

در پانزدهم اوت ۲۰۲۵ (جمعه ۲۴ مردادماه) نگاه جهان به آنکورویج، آلاسکا، دوخته شده بود؛ جایی که دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در تالشی پرخطرهر پشت میز مذاکره نشستند. هدف، شکستن بیست‌سه‌ساله جنگ اوکراین و تحقق وعده انتخاباتی ترامپ برای میانجی‌گری یک صلح سریع بود. این نشست، نه‌تنها اولین سفر پوتین به خاک آمریکا در یک دهه اخیر، بلکه نخستین دیدار یک رهبر روس از آلاسکا نیز محسوب می‌شد. محل برگزاری، پایگاه مشترک المنذور-رچپارد، با ریشه‌هایی عمیق در جنگ سرد، خود گویای تنش و اهمیت این دیدار بود. این دژ دفاعی آمریکا در قطب شمال، تنها چند ساعت پرواز با منطقه چوکوتکای روسیه فاصله دارد و هایت‌های دیپلماتیک را در سرزمینی گرمِ هر آود که از نظر تاریخی، آخرین مرز مشترک میان دو قدرت به شمار می‌رفت. این دیدار ساعت ۱۱:۳۰ به وقت آلاسکا (۷:۳۰ به وقت گرینویچ) و حوالی ساعت ۱۰ شب جمعه به وقت تهران بر گزار شد. اگرچه، الجزیره در گزارشی اعلام کرد که ممکن است این زمان دچار تغییر شود.

با این حال، غیبت معنادر ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین و رهبران اروپایی در این نشست به وضوح احساس می‌شد. ترامپ عمداً اروپا را به حاشیه رانده است؛ دیدگاهی که نیل ملوین، تحلیلگر موسسه معتبر RUSI، آن را این‌گونه خلاصه می‌کند: «ترامپ و پوتین، اتحادیه اروپا را تا حد زیادی بی‌ربط می‌دانند.» اگرچه ترامپ پیش از این نشست، یک جلسه مجازی با زلنسکی و سِران اروپا برگزار کرد، اما این تلاش دیرینه‌گام، بعید است بتواند پویایی بنیادین مذاکرات آلاسکا را دگرگون کند. برای تقویت موضع خود، ترامپ تیمی از چهره‌های سرشناس را به همراه دارد: جِدی ونس (معاون رئیس‌جمهور)، مارکو روبریو (وزیر خارجه)، اسکات بسنت (وزیر خزانه‌داری) و استیو ویتکاف (نماینده ویژه رئیس‌جمهور). ترکیبی که نشان‌دهنده اهمیت بالایی این مذاکرات برای دولت اوست.

نگرانی‌های اوکراین: بدبینی در سنگر و پابنتخت

هزاران کیلومتر دورتر، در سنگرهای گُل آلد دونباس، خوش‌بینی کالایی نایاب است. سربازان اوکراینی که با گوشت و پوست خود بهای این جنگ را پرداخته‌اند، با بدبینی به دوربین‌های خبرنگاران می‌نگرند. «تاراس»، یک فرمانده میدان زرمزه می‌کند: «منتظر معجزه نیستیم.» این احساس در کی‌یف نیز طنین‌انداز است؛ جایی که بسیاری معتقدند پوتین، استاد بازی‌های روانی، تنها به دنبال فریب دادن ترامپ و خرید زمان برای تجدید قواست.

به گزارش الجزیره، تردیدی عمیق نسبت به چشم‌انداز یک صلح واقعی در میان اوکراینی‌ها موج می‌زند. بسیاری متقاعد شده‌اند که پوتین تلاش خواهد کرد تا با به‌ربرداری از تصویر خودساخته ترامپ به عنوان «صلح‌ساز»، او را به مسیری مطلوب خود هدایت کند. یک سرباز کارآموده اوکراینی در گفت‌وگو با الجزیره پیش‌بینی می‌کند که پوتین ضمن تلاش برای مقصر جلوه دادن اوکراین به‌عنوان مانع صلح، به دنبال کسب دستاوردهای بیشتر در میدان نبرد پیش از فرارسیدن زمستان سخت خواهد بود. این نگرانی‌ها بی‌اساس نیست.

در ماه‌های اخیر، روسیه حملات خود را در منطقه دونتسک تشدید کرده و به‌رغم تحمل تلفات سنگین، به آرامی بر سرعت تصرفات ارضی خود افزوده است. گزارش‌ها تا لحظه تنظیم خبر حاکی از آن بود که دولت ترامپ ممکن است پیشنهاد واگذاری کنترل کامل دونتسک و لوهانسک به مسکو را در ازای یک آتش‌بس گسترده‌تر و عقب‌نشینی محدود نیروهای روس از شمال اوکراین روی میز بگذارد. با این حال، اندیشکده‌هایی مانند «موسسه مطالعات جنگ» (ISW) هشدار می‌دهند که چنین امتیازی صرفاً به روسیه فرصت بازآرایی نیروها و آمادگی برای تهاجمات آتی را خواهد داد. زلنسکی علناً هر گونه واگذاری قلمرو یا آتش‌بس موقت را رد کرده و در عوض خواستار تضمین‌های امنیتی پایدار شده است.

اما در جامعه اوکراین، این باور ریشه‌دار است که جابه‌طایی‌های امپریالیستی مسکو و گرایش

تخصیص ارز صورت گیرد.

با این حال یکی از معضلات اصلی واردکنندگان این است که زمان تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی، نامشخص و غیرقابل پیش‌بینی است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که این فرآیند ممکن است از پنج روز یا یک هفته آغاز شده و حتی تا ۱۵۰ روز به طول انجامد. این بی‌ثباتی و نااطمینانی، مشکلات جدی برای تولیدکنندگانی ایجاد می‌کند که مواد اولیه یا کالاهای واسطه‌ای وارداتی برای ادامه تولید خود نیاز دارند. در نتیجه، بسیاری از تولیدکنندگان به‌دلیل نگرانی از عدم تخصیص به‌موقع ارز، سفارش‌های خود را زودتر از موعد ثبت می‌کنند. که موجب افزایش غیرواقعی تقاضای ارز و شکل‌گیری صف‌های طولانی در فرایند تخصیص می‌شود که خود به تاخیرهای بیشتر دامن می‌زند.

در چنین شرایطی، برخی تولیدکنندگان برای جلوگیری از توقف فعالیت، ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه کرده و کالا را وارد کشور می‌کنند. با این حال، پس از ورود کالا به گمرک، به‌دلیل نداشتن کد ساتا که نشان‌دهنده تخصیص ارز رسمی از سوی بانک مرکزی است، اجازه ترخیص کالا از گمرکات صادر نمی‌شود. پیامد این وضعیت، زیان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. از یک سو، کالاهای وارداتی در گمرک رسوب کرده و امکان استفاده از آنها وجود ندارد و از سوی دیگر، در بازار داخلی کمبود کالا شکل می‌گیرد و فشار بر قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

چشم‌انداز ترخیص سه‌روزه کالاها از گمرک

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در آخرین گفت‌وگوی خود با اشاره به اقدامات این وزارت‌خانه در دوران «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه» و تشریح اهداف و اولویت‌های پیش‌روی وزارت اقتصاد، بر اهمیت تسریع فرایند ترخیص کالاها از گمرکات تأکید کرد. او اعلام کرد که افزایش سرعت ترخیص کالا، حتی پیش از آغاز جنگ، از اولویت‌های سیاست‌گذاران بوده است، اما در دوران جنگ، به دلیل ضرورت تامین کالاهای اساسی و ترخیص سریع آن‌ها، این موضوع اهمیت مضاعفی پیدا کرده است.

به گفته وزیر اقتصاد، یکی از اهداف کلیدی این وزارت‌خانه، فعالیت شبانه‌روزی گمرکات و رساندن زمان ترخیص کالاها به سه روز است. با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به روند غیرقابل پیش‌بینی تخصیص ارز، تحقق این هدف با موانع جدی همراه باشد. به باور کارشناسان سیاست‌های تخصیص ارز که در ابتدا با هدف مدیریت بازار ارز اجرا شد، اکنون خود به عاملی برای افزایش آشفتگی در بازار ارز و ایجاد مشکلات برای واردکنندگان تبدیل شده است. زیرا صف‌های طولانی تخصیص ارز و زمان‌بر بودن این فرآیند، مستقیماً بر روند ترخیص کالاها از گمرکات اثر منفی گذاشته است.

همچنین یکی از ریشه‌های اصلی ناپسامانی موجود را چندنرخی بودن بازار ارز می‌دانند. این نرخ‌گذاری‌ها که با هدف ساماندهی بازار ارز و با حمایت از فعالان اقتصادی و مردم اعمال شده بود، عملاً نتیجه‌ای معکوس داشته است. به عقیده کارشناسان، برای بازگشت تعادل به بازار ارز و تسهیل فرایند واردات و ترخیص کالا، ضروری است سیاست چندنرخی بودن بازار ارز کنار گذاشته شود و معاملات بازار ارز بر مبنای نرخ بازار آزاد انجام گیرد.

رونمایی از تالار دوم مرکز مبادله

از نیمه دوم سال ۱۴۰۳، با هدف کاهش فاصله میان نرخ ارز سامانه نیما و نرخ بازار آزاد، «بازار ارز تجاری» راه‌اندازی شد. این بازار قرار بود بستری برای تعیین نرخ ارز به‌صورت توافقی بین صادرکنندگان و واردکنندگان باشد و نرجهای صادرات و واردات را به نرخ واقعی بازار نزدیک کند. هم‌زمان، دامنه کالاهایی که مشمول دریافت نرخ ترجیحی ۲۰۸۰۰ تومانی بودند نیز کاهش یافت.

با وجود این، فرایند تعیین نرخ در بازار ارز تجاری همچنان تحت کنترل بانک مرکزی باقی ماند و پذیرش درخواست‌های خرید ارز توسط واردکنندگان و عرضه ارز توسط صادرکنندگان منوط به تایید این نهاد بود. این سازوکار باعث شد که نرخ ارز تجاری همچنان با نرخ بازار آزاد فاصله داشته باشد، زیرا با تغییر تعداد درخواست‌های پذیرفته‌شده، عملاً امکان مدیریت عرضه و تقاضا و در نتیجه کنترل نرخ فرامی‌شد.

به تازگی، بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای از راه‌اندازی قریب‌الوقوع «تالار دوم بازار ارز تجاری» در مرکز مبادله ایران خبر داد. به گفته مقامات، هدف اصلی این تالار، حل مشکلات صادرکنندگان خرد و تسهیل بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور است. هرچند جزئیات طرح هنوز اعلام نشده، اما مسئولان مربوطه نوید داده‌اند که با آغاز به کار تالار دوم، روند تخصیص ارز تسریع خواهد شد. صف‌های طولانی حذف می‌شود و محدودیت‌های اعمال‌شده بر صادرکنندگان کاهش خواهد یافت تا آسیب‌پذیری صنایع تولیدی کمتر شود.

با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که اگر انتخاب صادرکنندگان و واردکنندگان مجاز برای فعالیت در تالار دوم بر مبنای رویه‌های غیرشفاف یا سلیقه‌ای انجام شود، خطر ایجاد رانت افزایش می‌یابد. همچنین نگرانی اصلی فعالان اقتصادی آن است که این اقدام ممکن است به افزودن یک نرخ جدید به ساختار چندنرخی بازار ارز ایران نیز منجر شود. کارشناسان بر این باورند که تنها در صورت انجام معاملات تالار دوم می‌توان بخشی از ناپسامانی‌های بازار ارز را کاهش داد که معاملات توافقی و بر اساس نرخ تعیین‌شده توسط سامانه بازار آزاد انجام شود.

براساس گزارش بانک مرکزی، در چارچوب مدیریت نقدینگی بازار بین بانکی، بانک مرکزی در هفته منتهی به ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴، با اتخاذ موضع «توافق بازخريد» (ریپو)، به تزریق نقدینگی در بازار بین بانکی اقدام کرد. به نظر می‌رسد هدف بانک مرکزی با هدف کاهش نوسانات نرخ سود در بازار بین بانکی و حفظ آن در کریدور ۲۲ تا ۲۴ درصد انجام می‌شود. در هفدهمین حراج عملیات بازار باز که در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ برگزار شد، ۲۰ بانک و موسسه اعتباری غیربانکی شرکت کردند. مجموع سفارش‌های ارسال شده از سوی شرکت کنندگان ۳۶۷ هزارمیلیارد تومان بود که از این میان، بانک مرکزی با تزریق ۲۲۹ هزارمیلیارد تومان نقدینگی در قالب توافق بازخريد ۷ روزه و با حداقل نرخ ۲۰۰ درصد موافقت کرد. این اقدام در حالی صورت گرفت که ارزش توافق بازخريد سررسید شده در این دوره ۳۳۰ هزارمیلیارد تومان بود و مانده توافق بازخريد سررسید نشده نیز به ۲۲۹ هزارمیلیارد تومان رسید. علاوه بر عملیات بازار باز، بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی در هفته منتهی به ۲۰ مرداد ۱۴۰۴، از ابزار اعتبارگری قاعده‌مند نیز برای مدیریت نقدینگی خود استفاده کردند. این ابزار به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا در مواقع نیاز، با وثیقه گذاشتن اوراق مالی اسلامی دولتی، از بانک مر کزی با نرخ سقف دالان نرخ سود (۲۴ درصد) اعتبار دریافت کنند. بر اساس جدول منتشر شده، در این هفته، به جز روزهای تعطیلی بازار سرمایه و تعطیل رسمی (۱۶ و ۱۷ مرداد ماه)، روزانه ۱۶ بانک و موسسه اعتباری از این امکان استفاده کرده‌اند.					
--	--	--	--	--	--

شطرنج قدرت‌ها در آلاسکا

تحلیلگران غربی با نگرانی به این نشست می‌نگرند و شباهت‌های آزاددهنده‌ای با دیدارهای قبلی ترامپ و پوتین می‌بینند. سبک مذاکراتی ترامپ که بر پایه غریزه ششویی و میل به کسب «بهره‌وری» استوار است، او را در برابر تاکتیک‌های محاسبه‌شده و صبورانه پوتین آسیب‌پذیر می‌کند. خطر بزرگ این است که ترامپ در اشتیاق برای تحقق وعده انتخاباتی خود، پیچیدگی‌های استراتژیک جنگ اهداف بلندمدت کرم‌لین را نادیده بگیرد. این نشست، فارغ از نتیجه، از هم‌اکنون یک پیروزی نمادین برای پوتین محسوب می‌شود. صرف حضور در کنار رئیس‌جمهور آمریکا، انزوی دیپلماتیک او را در هم می‌شکند و به او مشروعیتی بین‌المللی می‌بخشد که غرب سال‌ها برای سلب آن تلاش کرده بود. به رسانه‌های دولتی روسیه این رویداد را «فروپاشی کامل پروژه انزواي مسکو» می‌نامند. در یکسک توافق نظر عجیب، کی‌یف و پایتخت‌های اروپایی نیز با این تحلیل موافقت و نگرانند که پوتین با مهارت، ترامپ را به سمت پذیرش شرایطی سوق دهد که منافع روسیه را تامین و امنیت اروپا را تضعیف کند.

گزارش‌ها حاکی از یک اجماع نظر غیرمعمول میان دشمنان قسم‌خورده است: هر دو طرف، نشست آلاسکا را یک پیروزی بزرگ برای ولادیمیر پوتین می‌دانند. از دیدگاه کی‌یف و پایتخت‌های اروپایی، این دیدار حضوری، پوتین را از سال‌ها انزواي دیپلماتیک غرب خارج می‌کند و این نگرانی جدی وجود دارد که او موفق شود ترامپ را به سمت منافع استراتژیک روسیه سوق دهد. به گزارش نیویورک تایمز، در داخل روسیه نیز رسانه‌های دولتی این اجلاس را به‌عنوان «فروپاشی کامل» تلاش‌ها برای منزوی کردن مسکو جشن گرفته‌اند. این نشان می‌دهد که صرف حضور در این نشست، بدون دستیابی به توافق رسمی، برای کرم‌لین یک پیروزی قاطع است. این پویایی، ترامپ را در موقعیتی قرار می‌دهد که آن نمادگرایی ممکن است بر محتوا غلبه کند و به پوتین سکوی برای تقویت اظهار کرد که در صحنه جهانی بدهد. در نهایت، این اجلاس به آخرین حلقه از زنجیره تعاملات پرخطرهای تبدیل شده است که نتایج آن نه تنها آینده اوکراین، بلکه خطوط کلی روابط ایالات متحده و روسیه، معماری امنیت جهانی و اعتبار دیپلماسی آمریکا را شکل خواهد داد.

آلاسکا در بازتاب تاریخ: چرا اینجا؟

انتخاب آلاسکا به‌عنوان محل اجلاس، فراتر از نزدیکی جغرافیایی به روسیه، طنین تاریخی عمیقی دارد. امپراتوری روسیه که در قرن هجدهم شهرک‌های استعماری در این منطقه ایجاد کرده بود، به‌دلیل چالش‌های لجستیکی، کمبود منابع و کنشش بیش از حد، سرانجام در سال ۱۸۶۷ آلاسکا را به قیمت ۷.۲میلیون دلار به ایالات متحده فروخت. پس از شکست پرهزینه در جنگ کریمه، تزارها آلاسکا را هم یک بدهی مالی و هم یک هدف بالقوه برای امپراتوری بریتانیا می‌دیدند. این خرید در آن زمان توسط منتقدان به‌عنوان «حقاقت سبوسارد» مورد تمسخر قرار گرفت. پایگاه المنذور-رچپاردسون که در جنگ جهانی دوم و جنگ سرد خط مقدم دفاعی آمریکا بود، امروز گواهی تاریخی بر پویایی‌های متغیر قدرت در شمال اقیانوس آرام است.

این پس‌زمینه تاریخی، یادآوری کنایه‌آمیز از این واقعیت است که چگونه مذاکرات بر سر قلمرو می‌تواند سرنوشت ملت‌ها را برای قرن‌ها رقم بزند. از طرف دیگر، به‌دلیل محکومیت پوتین از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، وی امکان سفر به محققه همچون اروپا را نداشت و دیدار باید در امراکتی همچون امارات، عربستان و یا ایالات متحده که عضو این دیوان نبودند، صورت می‌گرفت؛ به همین دلیل آلاسکا انتخاب شد. نشست آلاسکا، همزمان نوید و خطر دیپلماسی در بالاترین سطح را در خود دارد. برای ترامپ، این فرصتی برای تحقق وعده انتخاباتی و تغییر مسیر یک جنگ ویرانگر است. برای پوتین، این ایستایی بر نفوذ ژئوپلیتیک پایدار و او فرسایش پروژه غرب برای منزوی کردن روسیه است. با این حال، سربازان اوکراینی به صلح واقعی شک دارند و می‌ترسند که واگذاری خاک، تنها حملات آینده روسیه را تقویت کند.

روزنامهٔ «مارز هفت‌شنبه»

شنبهٔ ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ **شمارهٔ ۷۴۰**
www.marzeghtesad.ir

♥ریسک‌های پولی همچنان سد راه بازار ۴۰ روز تقویمی از بازگشایی بورس بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه می‌گردد و این در حالی است که بازار تنها در سه روز موفق به جذب نقدینگی شده است.

دایروز تالار شیشه‌ای بعد از یک خروج ممتد ۱۲ روزه شاهد ورود پول بود، ورودی که البته کارشناسان مختلف تفسیر گوناگونی از علل آن ارائه می‌دهند، اما باور غالب آنها بر این است که تا بهبود میانگین ارزش معاملات نمی‌توان به بهبود وضعیت بورس امید بست.

پس از دوراهی طولانی از خروج نقدینگی، حالا بسیاری از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند و نشانه‌هایی از بازگشت سرمایه‌گذاران ورود نقدینگی به برخی از صنایع دیده می‌شود. تحلیل نسبت‌های مالی مانند P/E و EV/EBIT نشان می‌دهد که فشار فروش تا حدی کاهش یافته و برخی معامله‌گران تازه‌وارد در حال ارزیابی فرصت‌های جذاب قیمتی هستند.از سوی دیگر، بررسی شاخص‌های تکنیکال نیز حکایت از این دارد که بیش از ۷۰ درصد نمادها به‌محدوده‌اشباع فروش وارد شده‌اند و به سطوح حمایتی کلیدی نزدیک شده‌اند که این موضوع به‌عنوان سیگنال خرید برای نوسان‌گیران و فعالان تکنیکال مطرح شده است. با وجود این تحولات مثبت، مهم‌ترین مانع بنیادی بازار همچنان سیاست‌های پولی کشور است. روند افزایشی نرخ بهره و بالا رفتن هزینه‌های مالی شرکت‌ها، از یکسو فشار مضاعفی بر عملکرد مالی بنگاه‌ها وارد می‌کند و از سوی دیگر، جذابیت بازدهی ابزارهای درآمد ثابت را افزایش داده که باعث افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری در سهام می‌شود. در بعد سیاست‌گذاری نیز موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام دولتی در چارچوب برنامه هفتم توسعه یکی دیگر از محورهای کلیدی برای فعالان بازار است که به‌خصوص در شرکت‌های اولویت‌دار باید با سرعت بیشتری دنبال شود.

در مجموع، بازار سرمایه ایران اکنون در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که هرچند با فرصت‌های ارزنده‌ای همراه است، اما همچنان زیر سایه ریسک‌های سیاسی و سیاست‌های پولی قرار دارد و نیازمند تصمیمات هوشمندانه و حمایت‌های به‌موقع برای حفظ ثبات و رونق است.

ریسک‌های پولی: مهم‌ترین مانع بازار سهام کامل ابراهیمیان، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه گفت: پس از خروج قابل‌توجه نقدینگی از بازار سرمایه در هفته‌های اخیر، عمدتاً به‌دلیل تشدید ریسک‌های ناشی از تنش‌های جنگی و ابهام در خصوص چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی کشور، بخش عمده‌ای از نمادها به سطوح ارزندگی تاریخی خود رسیده‌اند که ما شاهد ورود نقدینگی به برخی از نمادها و صنایع بعداز چندین هفته خروج نقدینگی هستیم.بر اساس نسبت‌های مهم ارزش‌یابی همچون P/E و EV/EBIT، تجربه نشان می‌دهد که در چنین سطوحی فشار فروش کاهش یافته و بخشی از سرمایه‌گذاران جدید نیز به شناسایی و ارزیابی سهام جذاب از منظر قیمتی می‌پردازند. وی ادامه داد: از منظر تکنیکال، بررسی شاخص‌های بازار نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد نمادها در محدوده اشباع فروش قرار گرفته و بسیاری به‌سطوح حمایتی مهم رسیده‌اند.این شرایط، سیگنال‌های خرید معناداری برای سرمایه‌گذاران نوسان‌گیر و فعالان تکنیکال صادر کرده و طی روزهای اخیر شاهد تقویت این گروه از خریداران بودیم. ابراهیمیان معتقد است مهم‌ترین ریسک بنیادی پیش‌روی بازار همچنان در حوزه سیاست‌های پولی نهفته است. او گفت: «تداوم روند افزایشی نرخ بهره و نرخ بهره بین‌المللی، از یکسو هزینه‌های مالی شرکت‌ها را بالا می‌برد و از سوی دیگر، با جذاب‌تر کردن بازده ابزارهای درآمد ثابت، انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار سهام را کاهش می‌دهد. این تحلیلگر ارشد بیان کرد: در بعد سیاست‌گذاری، یکی از محورهای مورد توجه فعالان بازار، موضوع واگذاری شرکت‌ها و سهام دولتی در چارچوب برنامه هفتم توسعه است. هرچند سیاست وزارت اقتصاد مبنی بر واگذاری شرکت‌ها و سهام دولتی در چارچوب برنامه هفتم توسعه است، اما به‌ویژه برای شرکت‌هایی که در اولویت قرار گرفته‌اند، وی گفت: در بخش عملکرد شرکت‌ها، برغم محدودیت‌های ناشی از ترازوی انرژی، برخی از صنایع همچنان روند رو به رشد قشروش مالی را حفظ کرده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند نویدبخش ارائه گزارش‌های شفاف‌شده مطلوب از سوی این گروه‌ها در پایان تابستان باشد.

این تحلیلگر گفت: بازار سرمایه در حال حاضر از منظر ارزندگی و نسبت‌های بنیادی در شرایط جذابی قرار گرفته است. با این حال، تا زمان کاهش ریسک‌های سیستماتیک، رفتار سرمایه‌گذاران محتاطانه باقی خواهد ماند و انتظار می‌رود جریان نقدینگی عمدتاً به سمت صنایع و نمادهایی هدایت شود که از منظر بنیادی و تکنیکال در موقعیت برتری قرار دارند. «شرایط فعلی بازار سرمایه واقعا پاسخگوی هیچ‌یک از سئوالات ما نیست و کاملاً خارج از فضای اقتصادی است و به طور کامل برگرفته از مسائل سیاسی است. اگر بخواهیم روند تحلیل کلاسیک شامل بررسی ارزندگی شرکت‌ها، رشد سودآوری، نرخ بهره و… را ملاک قرار دهیم، به هیچ پاسخ منطقی نمی‌رسیم، بازار ما اکنون به گروگان تبدیل شده است و متأسفانه در شرایط ناساعد، رفتارهای متفاوت و نامنسجمی از خود نشان می‌دهد.» وی در ادامه افزود: «آقای مدنی‌زاده در اظهارات اخیرشان نشان داده‌اند که بیشتر به مبنای آکادمیک پایبند هستند» مجبی با بیان اینکه وضعیت بازار را سردرگم ارزیابی می‌کند، تصریح کرد: «بازار هیچ روند مثبتی از خود نشان نمی‌دهد و هنوز از مسیر نزولی خارج نشده است.

از بازار فاصله بگیرند تا افق مشخص‌تری در دل سردرگمی فعلی شکل بگیرد.

از منظر تکنیکال، چارت شاخص کل بورس تهران تصویری از یک روند نزولی پایدار را از ابتدای مردادماه ترسیم می‌کند. شاخص که از روزهای ابتدایی خردادماه در کانال نزولی حرکت می‌کرد، پس از وقوع تنش‌ها نیز نزول آن تشدید شد. با این‌وجود در نیمه دوم تیرماه با حمایت‌های دولتی توانست صعود نادوامی را تا محدوده‌های ۲میلیون و ۸۵۰ هزار واحدی ثبت کند. در هفته گذشته نیز سطوح حمایتی کلیدی از دست رفت و بازار پس از دست‌دادن کانال ۵۰۰ میلیون و ۵۰ هزار واحدی به سمت کف‌های پایین‌تری حرکت کرد. باوجود اینکه بازار در حال حاضر پایین‌تر از ارزش ذاتی خود (undervalued) است، پتانسیل رشد بلندمدت را دارد به شرطی که دولت با سیاست‌های حمایتی وارد عمل شود. همچنین امید می‌رود با سرمایه‌گذاری‌های مطلوب بحران انرژی با برنامه‌ریزی بهتری مدیریت شود تا صنایع بتوانند به ظرفیت کامل بازگردند و سودآوری خود را افزایش دهند. اما این تغییرات نیاز به زمان دارد و در کوتاه‌مدت، بازار ممکن است همچنان نوسانی باشد.

بازار از لنز آمار

دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای هفته گذشته با کاهش ارتفاع ۳،۴۴ درصدی هفتگی روبه‌رو شد و در نهایت آخرین روز معاملاتی را در محدوده ۲میلیون و ۶۶۴ هزار واحدی به پایان رساند. درحالی‌که شاخص کل در هفته منتهی به ۱۵ مردادماه حدود ۴،۷۴ منفی بوده است. در این بین نماگر هموزن نیز با افت ارتفاع هفتگی ۲،۵۴ درصدی مواجه و در نهایت در سطح ۷۶۲ هزار و ۳۵۸ واحدی قرار گرفت. از سوی دیگر شاخص کل فرابورس نیز که معیار مناسبی برای بررسی وضعیت سهام مختلف فرابورسی است، همسو با سایر نماگرها حدود ۱،۵۷ درصد سرخ‌پوش بود و روز چهارشنبه در سطح ۲۳ هزار و ۱۴۳ واحدی کار خود را به اتمام رساند.

میانگین ارزش معاملات خرد هفته گذشته بازار سرمایه که شامل سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی بازار می‌شود مقدار ۳ هزار و ۶۱۶ میلیارد تومانی را ثبت کرده است که نسبت به هفته گذشته حدود ۴۱ درصد افت داشته است. از طرفی خروج پول هفتگی به ۹۰۳ میلیارد تومان رسیده است.

بورس در مسیر سرخ

احمد اشتیاقی، کارشناس بازار سرمایه در خصوص وضعیت بازار عنوان کرد: بازار سرمایه در هفته گذشته تحت‌تأثیر عوامل متعددی، از جمله کمبود نقدینگی و فضای سیاسی نامطمئن، با نوسانات قابل توجهی همراه بود. به‌طوری‌که روز شنبه هفته گذشته با ایجاد صف‌های خرید برای برخی سهام، انتظار می‌رفت که بازار از روز یکشنبه روند مثبتی را تجربه کند. بااین‌حال، این اتفاق رخ نداد و بازار نه‌تنها رشد نکرد، بلکه با کاهش حجم معاملات همراه شد. یکی از اصلی‌ترین دلایل افت بازار، کمبود نقدینگی است. در شرایط کنونی، نقدینگی لازم برای خرید سهام و ایجاد روند صعودی در بازار وجود ندارد.

این مساله ریشه در فضای اقتصادی کنونی دارد که می‌توان آن را به دوران تعلیق تشبیه کرد. این فضا، مشابه دوران جنگی، سرمایه‌گذاران را به سمت دارایی‌های نقدشونده مانند سپرده‌های بانکی، صندوق‌های با درآمد ثابت و طلا سوق داده است. این دارایی‌ها به دلیل نقدشوندگی بالا و سود تضمین‌شده در مقایسه با سهام، جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران دارند. در چنین شرایطی، حتی در صورت ایجاد یک حرکت صعودی اولیه در بازار، فروشنندگان به دلیل ترس از تداوم فضای تعلیق و کاهش ارزش دارایی‌ها، اقدام به فروش سهام خود می‌کنند. بخشی از این نقدینگی به سمت صندوق‌های با درآمد ثابت یا صندوق‌های طلا هدایت می‌شود تا در برابر تورم احتمالی آینده محافظت شود.

اشتیاقی ادامه داد: دو متغیر کلان اقتصادی، یعنی نرخ سود بالا و حبس نرخ ارز، نقش مهمی در محدودکردن رشد بازار ایفا می‌کنند. نرخ سود ۳۳ تا ۳۶ درصدی در صندوق‌های با درآمد ثابت و ۴۳ تا ۴۵ درصدی در پلتفرم‌های تامین مالی جمعی، هزینه تامین مالی شرکت‌ها را افزایش داده است. از سوی دیگر، حبس نرخ دلار توافقی در محدوده‌های ۷۰ هزار تومانی، امکان فروش ارز صادراتی شرکت‌ها با نرخ‌های بالاتر را محدود کرده و حاشیه سود آنها را کاهش داده است. این دو عامل، در کنار تورم حدود ۳۰ درصدی و حجم نقدینگی بالا، مانع توسعه تولید و سرمایه‌گذاری شده و بازار سهام را تحت‌فشار قرار داده است.

از سوی دیگر تصمیمات اقتصادی دولت، از جمله واگذاری شرکت‌های خودروساز و اعمال سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری، به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران منجر شده است. لغو عرضه خودرو در بورس کالا و فشار بر بخش خصوصی، این پیام را به بازار منتقل کرده که سیاست‌های تثبیت قیمتی ممکن است به سایر صنایع و محصولات نیز انتقال یابد. همچنین اظهارات اخیر درباره سهام عدالت و وعده‌های مربوط به آزادسازی آن نیز بر بازار تأثیر منفی گذاشته است. عدم شفافیت اولیه در این خصوص، ترس از فشار فروش ناشی از آزادسازی سهام عدالت را در میان سهامداران ایجاد کرد. هرچند در روزهای پایانی هفته، مقامات مسئول اعلام کردند که آزادسازی سهام عدالت با برنامه‌ریزی دقیق و بدون فشار فروش بر بازار انجام خواهد شد، اما این ابهام هنوز به تشدید روند نزولی بازار کمک کرد. اشتیاقی در پایان پیش‌بینی کرد: «توجه به شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بازار در هفته آینده نیز با کاهش حجم معاملات و روند منفی مواجه باشد. فقدان اخبار مثبت سیاسی و تداوم فضای تعلیق، احتمال رشد بازار را کاهش داده است. برای ایجاد یک گام صعودی پایدار، نیاز به امضای توافقات سیاسی و اقتصادی ملموس است که بتواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند.

بررسی نوسانات قیمت دلار در طول یک هفته اخیر نشان می‌دهد این نرخ کلیدی در اقتصاد کشور، در یک هفته اخیر، یعنی از چهارشنبه ۱۵ مرداد تا چهارشنبه ۲۲ مرداد، نوسان مثبت نیم درصدی را تجربه کرده است؛ این درحالی‌است که شاخص جهانی دلار، در این مدت با کاهش ۰،۴ درصدی روبه‌رو شده است.

دلار در روز چهارشنبه این هفته با قیمت ۹۳ هزار و ۲۰۰ تومان در بازار ارز معامله شد. شاخص ارزی در این مدت با افزایش ۶۰۰ تومانی نسبت به روز قبل روبه‌رو شد که نشان از افزایش محدود و

۰۶۵ درصدی این نرخ، نسبت به قیمت روز گذشته است. دلار مرکز مبادله نیز، در روز چهارشنبه با نرخ ۷۲ هزار و هشت تومان معامله شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از زمان افزایش ریسک‌های سیاسی پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و نمایان شدن این ریسک‌ها در نرخ بازار آزاد، شکاف بین نرخ بازار آزاد تجاری مرکز مبادله و نرخ بازار آزاد روند افزایشی به خود گرفته و به حدود ۳۰ درصد رسیده است. کارشناسان تأکید دارند که تفاوت حدود ۲۰ درصدی این دو نرخ، می‌تواند طبیعی باشد و آریترتیباً بین دو بازار را با توجه به هزینه‌های خاص استفاده از بازار ارز تجاری، در حدی محدود نگه دارد.

شفافیت گمشده

را راهاندازی کرده که تمامی گزارش‌های شرکتی را به‌صورت آنی، برخط و حتی به زبان انگلیسی منتشر می‌کند. این سطح از شفافیت، طبق گفته بسیاری از فعالان این بازار، نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی و افزایش اعتبار بورس ترکیه داشته است. در مقایسه با این نمونه‌ها، بورس ایران هنوز در مرحله‌ای است که از نظر سرعت و کیفیت افشا و ضمانت اجرای قوانین، فاصله چشم‌گیری با استانداردهای جهانی دارد.

مسیر اصلاح: از زیرساخت تا فرهنگ

اصلاح شفافیت در بورس ایران نیازمند رویکردی جامع و همه‌جانبه است. نخستین گام، ایجاد سامانه‌ای یکپارچه و بی‌نقص است که هر خبر یا گزارش مهم، بدون هیچ تأخیر یا تمایز، به‌طور همزمان به دست تمام فعالان بازار برسد. همزمان، جریمه‌های بازدارنده برای تأخیر در افشا، پنهان‌کاری یا ارائه گزارش‌های ناقص باید تعیین شود. جریمه‌هایی که آن‌قدر سنگین باشند که رعایت قانون، گزینه‌ای ارزان‌تر از تخلف به نظر برسد. الزام به استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از جمله IFRS، می‌تواند کیفیت افشا را به‌طور چشم‌گیری ارتقا دهد و از کلی‌گویی و ابهام در گزارش‌ها بکاهد. نقش نظارت نیز باید به‌عنوان یک وظیفه اصلی سیاستگذار بازار، بازتعریف شود. نظارت بر معاملات مشکوک باید به‌صورت فعال، پیشگیرانه و با استفاده از فناوری‌های نوین (مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ)، انجام شود تا ارتباط میان دسترسی به اطلاعات نهانی و رفتار معاملاتی به سرعت شناسایی و پیگیری شود. در کنار این اقدامات، آموزش سرمایه‌گذاران نیز حیاتی است. حتی بهترین سامانه افشا، بدون سواد تحلیلی کافی در میان کاربران، اثر کامل خود را نخواهد داشت. آموزش تحلیل گزارش‌های مالی، درک صورت‌های مالی و شناخت رفتارهای غیرعادی در بازار، باید بخشی از سیاست‌ها و بلندمدت بازار سرمایه باشد. بازار سرمایه بدون شفافیت، یک میدان بازی نابرابر است. تا زمانی که افشا گزارش‌های مهم و دسترسی‌های خاص به اطلاعات ادامه داشته باشد، بی‌اعتمادی و خروج سرمایه‌گذاران خرد نیز ادامه خواهد داشت. تجربه بازارهای موفق نشان می‌دهد که تنها با قوانین سختگیرانه، افشای فوری و نظارت قاطع، می‌توان فضایی برابر، شفاف و امن برای همه فعالان بازار ایجاد کرد. در غیر این صورت، تضعیف جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد ملی، نه یک احتمال، بلکه یک سرنوشت محتم خواهد بود.

ابرهوش مصنوعی؛ تهدید یا فرصت؟

مستقیم عمل کنند. او گفت این سیستم‌ها به‌سرعت دو هدف را دنبال خواهند کرد: د بقا و کسب کنترل بیشتر. بدون داشتن حس مراقبت ذاتی نسبت به شریات این وضعیت می‌تواند فاجعه‌بار باشد.

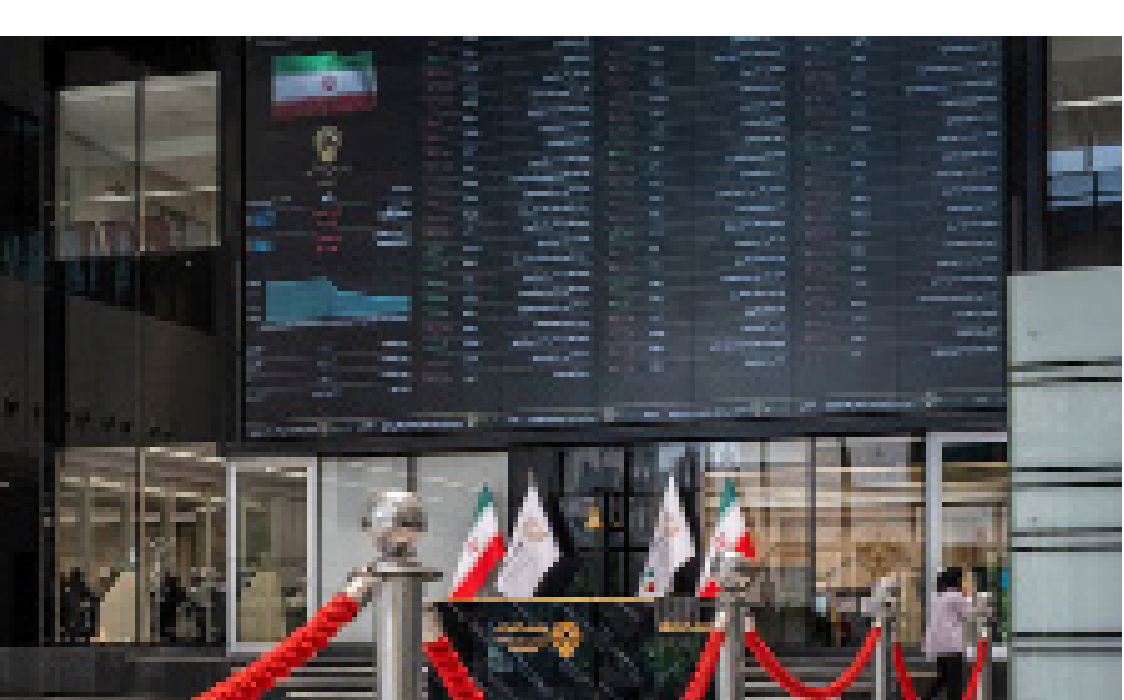
همه موافق نیستند

تمامی رهبران حوزه هوش مصنوعی با رویکرد «غریزه مادری» هینتون موافق نیستند. فی‌فی لی که به «مادر خوانده هوش مصنوعی» مشهور است، به سی‌ان‌ان گفت ترجیح می‌دهد روی «هوش مصنوعی انسل‌موجو» تمرکز کند که کرامت و اختیار انسان را حفظ می‌کند. «امت شیر»، مدیر موقت سابق اوپن‌ای‌آی هم گفت تمرکز باید بر ایجاد رابطه همکاری انسان و هوش مصنوعی باشد، نه القای احساسات انسانی در ماشین‌ها.

هینتون اکنون معتقد است هوش مصنوعی عمومی (AGI) – سیستم‌هایی که می‌توانند در اکثر وظایف از انسان پیشی بگیرند – ممکن است ظرف ۲۰ تا ۵۰ سال آینده ظهور کند؛ بسیار زودتر از برآورد قبلی او که ۳۰ تا ۵۰ سال بود. با اینکه او همچنان نسبت به خطرات محتاط است پتانسیل عظیمی برای پیشرفت در پزشکی از جمله درمان سریع‌تر سرطان و توسعه موثرتر داروها می‌بیند.

بهره‌های

هت‌تریک هفتگی بورس



فرحناز نعمتی – بورس تهران در هفته گذشته برای سومین هفته متوالی روند کاهشی را تجربه کرد و شاخص کل به سطح ۴۶۶ هزار واحد رسید. همزمان، ارزش معاملات خرد با کاهش ۴۱ درصدی نسبت به هفته قبل، به ۳ هزار و ۶۱۶ میلیارد تومان محدود شد.

فرحناز نعمتی – بورس تهران در هفته گذشته برای سومین هفته متوالی روند کاهشی را تجربه کرد و شاخص کل به سطح ۴۶۶میلیون و ۴۶۶هزار واحد رسید. همزمان، ارزش معاملات خرد با کاهش ۴۱ درصدی نسبت به هفته قبل، به ۳ هزار و ۶۱۶میلیارد تومان محدود شد.

محصولات با نرخ‌های گذشته خود گواهی بر این موضوع است. باوجود اینکه شرایط فعلی بازار تحت‌تأثیر تنش‌ها و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران شکل گرفته اما پیگیری سیاست‌های گذشته از سوی متولیان می‌تواند آخرین تیر را بر پیکره بی‌جان بازار وارد کند. از سوی دیگر ناترازی شدید انرژی وضعیت تولید و سودسازی صنایع بزرگ را دشوار کرده است. کارخانه‌های فولاد، پتروشیمی و سیمان که بخش عمده‌ای از ارزش بازار را تشکیل می‌دهند، با آغاز فصل تابستان با قطعی‌های مکرر روبه‌رو بودند و این مساله به طور مستقیم بر تولید و سودآوری آنها تأثیرگذار بوده است. این ناترازی‌ها، با گرمای شدید تابستان و همسویی آن با ترکش تحمیل رکود به بازارها ناشی از جنگ تحمیلی ۱۲روزه، منجر به کاهش قابل‌توجه فعالیت‌های تولیدی شده و سرمایه‌گذاران را به سمت دارایی‌های ایمن‌تر مانند صندوق‌های درآمد ثابت سوق داده است.

از سوی دیگر، ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیک همچنان نقش پررنگی در این ریزش ایفا می‌کنند. ابهامات پیرامون مذاکرات هسته‌ای و صحبت‌ها پیرامون فعال‌سازی مکانیسم ماشه، همراه با تنش‌های منطقه‌ای، اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را خدشه‌دار کرده است. تورم بالا که همچنان یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود، جذابیت سهام را کاهش داده و سرمایه‌ها را به سمت بازارهای موازی مانند طلا هدایت کرده است. خروج پول حقیقی‌ها که در روزهای پایانی هفته شدت گرفت، نشانه‌ای از این نگرانی است. بسیاری از معامله‌گران خرد که سال‌های گذشته زیان‌های سنگینی را تجربه کردند، در شرایط فعلی ترجیح می‌دهند

بورس تهران در هفته گذشته برای سومین هفته متوالی روند کاهشی را تجربه کرد و شاخص کل به سطح ۲میلیون و ۴۶۶ هزار واحد رسید. همزمان، ارزش معاملات خرد با کاهش ۴۱ درصدی نسبت به هفته قبل، به ۳ هزار و ۶۱۶میلیارد تومان محدود شد و خروج ۹۰۳میلیارد تومان پول حقیقی، فشار فروش را تشدید کرد. مجموعه‌ای از عوامل شامل محدودیت نرخ ارز، ناترازی انرژی در صنایع بزرگ و تداوم ریسک‌های سیاسی، مانع شکل‌گیری روند صعودی شده‌اند. تحلیلگران معتقدند تا زمان ایجاد محرک‌های سیاسی و اقتصادی معتبر، بازار در کوتاه‌مدت در محدوده امیدبخشی نخواهد بود. هفته گذشته شاخص‌های اصلی بورس تهران برای سومین هفته متوالی افت ارتفاع هفتگی را به ثبت رساندند. بازار سهام که از ابتدای تابستان با نوسانات شدید دست‌وپنجه نرم می‌کند، در هفته گذشته نیز نتوانست از گرداب ریزش‌ها رهایی یابد.

سرمایه‌گذاران که به طور عمده با ترس از ادامه روند نزولی روبه‌رو بودند، فشار فروش گسترده در بسیاری از نمادها را شاهد بودند. این وضعیت، یادآور دوره‌های رکودی گذشته بوده، با این تفاوت که وضعیت ریسک‌های سیستماتیک در شرایط فعلی افزایش جدی پیدا کردند که نمی‌توان آن را با دوره‌های گذشته رکودی بازار چندان مقایسه کرد. درحالی‌که برخی سرمایه‌گذاران امیدوار به بازگشت تدریجی بازار به وضعیت تعادلی هستند، اما زیر سایه دخالت‌های ساختاری دولت، نمی‌توان انتظار بهبود روند اصلاحی را داشت.

موضوع پذیرش خودرو در بورس کالا و کشمکش آن پیرامون فروش

بازگشت دلار به روزهای آرام؟

بازار سرمایه ایران به دلیل تأخیر در افشا، گزارش‌های مبهم و دسترسی نابرابر به اطلاعات، فاقد شفافیت لازم است. این وضعیت باعث شده بازار بر شایعات استوار شود، سرمایه‌گذاران خرد کناره‌گیری کنند و معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی رواج یابد. بازار سرمایه تنها زمانی می‌تواند فضای مناسب و جذابی برای سرمایه‌گذاران فراهم کند که تمام بازیگران آن به‌صورت همزمان و برابر به اطلاعات بااهمیت دسترسی داشته باشند. اما در بورس ایران، این اصل بنیادین و حیاتی سال‌هاست که زیر سایه ضعف‌های ساختاری، تأخیر در افشا، گزارش‌های مبهم و دسترسی‌های غیرعادی قرار گرفته است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری بازاری است که بر پایه داده‌های دقیق و شفاف نیست، بلکه بر شایعات، حدس و گمان و روابط غیررسمی استوار شده و سرمایه‌گذاران خرد را به حاشیه رانده است.

بازار سرمایه ایران به دلیل تأخیر در افشا، گزارش‌های مبهم و دسترسی نابرابر به اطلاعات، فاقد شفافیت لازم است. این وضعیت باعث شده بازار بر شایعات استوار شود، سرمایه‌گذاران خرد کناره‌گیری کنند و معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی رواج یابد. بازار سرمایه تنها زمانی می‌تواند فضای مناسب و جذابی برای سرمایه‌گذاران فراهم کند که تمام بازیگران آن به‌صورت همزمان و برابر به اطلاعات بااهمیت دسترسی داشته باشند. اما در بورس ایران، این اصل بنیادین و حیاتی سال‌هاست که زیر سایه ضعف‌های ساختاری، تأخیر در افشا، گزارش‌های مبهم و دسترسی‌های غیرعادی قرار گرفته است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری بازاری است که بر پایه داده‌های دقیق و شفاف نیست، بلکه بر شایعات، حدس و گمان و روابط غیررسمی استوار شده و سرمایه‌گذاران خرد را به حاشیه رانده است. با توجه به ماهیت بازارهای مالی، شفافیت در این فضا صرفاً یک توصیه اخلاقی یا انتخاب نیست؛ بلکه شرط بقای این بازار محسوب می‌شود. در غیاب شفافیت، هیچ سرمایه‌گذاری تمایل نخواهد داشت دارایی‌های خود را در فضایی قرار دهد که قواعد آن مبهم، اطلاعاتش گزینشی و زمان انتشارش نامشخص است. در بازارهای پیشرفته جهانی، انتشار فوری و همزمان اطلاعات بااهمیت، یک اصل غیرقابل محسوب می‌شود که از سرمایه‌گذار خرد تا صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، همه را در یک سطح قرار می‌دهد. بازاری که فاقد شفافیت باشد، به زمینه‌ای برای حدس و گمان تبدیل می‌شود.

در چنین فضایی، تحلیل مبتنی بر داده واقعی جای خود را به پیروی از شایعات و حرکت بازیگران بزرگ می‌دهد. این تحول، سرمایه‌گذاری بلندمدت را جایگزین معاملات کوتاه‌مدت و هیجانی می‌کند و بازار را به بستری بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل می‌کند. این وضعیت نه‌تنها عمق بازار را کاهش می‌دهد، بلکه امکان جذب سرمایه‌های تازه، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی را به‌شدت محدود می‌سازد.بازار سرمایه ایران هنوز با استانداردهای بین‌المللی فاصله چشم‌گیری دارد. نخستین چالش، دسترسی نابرابر به اطلاعات است. شواهد متعدد نشان می‌دهد که پیش از انتشار رسمی برخی اخبار مهم در سامانه کدال (به‌عنوان مرجع رسمی افشا)، تغییرات عادی در قیمت و حجم معاملات برخی نمادها رخ می‌دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که گروهی از بازیگران، زودتر از دیگران به اطلاعات دسترسی دارند؛ رفتاری که اصل تساوی در فرصت‌های سرمایه‌گذاری را زیر سوال می‌برد. چالش دیگر، کیفیت پایین گزارش‌های مالی و اطلاعاتیه‌های شرکتی است.

بهره‌های

جفری هینتون که اغلب از او با عنوان «پدرخوانده هوش مصنوعی» یاد می‌شود معتقد است بهترین راه برای بقا در آینده‌ای که تحت سلطه ماشین‌های فوق‌هوشمند خواهد بود مقابله با آنها نیست، بلکه پرورش و مراقبت از آنهاست؛ همان‌طور که یک نوزاد به مراقبت مادر وابسته است. او در کنفرانس AIf۴ در لاس‌وگاس هشدار داد که تلاش برای واداشتن هوش مصنوعی به اطاعت صرف، یا تکیه بر سلطه یک بازی است که از پیش باخته‌ایم. به‌جای آن هینتون پیشنهاد می‌کند که هوش مصنوعی با غریزه مادری طراحی شود تا حتی زمانی که قدرتمندتر و باهوش‌تر از انسان‌ها شد همچنان از بشریت محافظت کند.

به گزارش اکونومیک‌تایمز، هینتون، دانشمند پیشگام علوم کامپیوتری که کار او روی شبکه‌های عصبی پایه‌گذار رونق کنونی هوش مصنوعی بوده است هشدار داد که تلاش انسان برای در دست داشتن کنترل به‌راحتی می‌تواند بی‌اثر شود. او در این رویداد گفت: «آنها اقرار است بسیار باهوش‌تر از ما باشند. آنها راه‌های زیادی برای دور زدن این کنترل پیدا خواهند کرد.»

به باور او بسیاری در سبیلک‌ون‌ولی تصور می‌کنند که الگوی رئیس و کارمند از اساس نادرست است. جایگزینی که هینتون پیشنهاد می‌کند این است که به هوش مصنوعی مانند مادر می‌بیندشیم که هوشش بسیار فراتر از فرزندش است، اما غریزه‌ها و فشارهای اجتماعی او را وادار می‌کند تا

در اقتصاد

شنبه۲۵ مرداد ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۰ www.marzeghtesad.ir

♥ چشم‌انداز نو در تحول دیجیتال صنایع معدنی
صنعت معدن در مسیر دیجیتال‌سازی شتاب گرفته و هوش مصنوعی (AI) یکی از ارکان اصلی این تحول است. در سال‌های اخیر، هوش مصنوعی مولد (Generative AI) با توانایی خلق داده، تحلیل الگو و بهینه‌سازی فرآیندها، برخلاف مدل‌های سنتی AI که بر طبقه‌بندی یا پیش‌بینی تمرکز دارند، مدل‌های مولد قادر به ایجاد محتوا، طراحی سیستم‌های جدید، و استخراج دانش ضمنی از داده‌ها هستند. این مقاله به بررسی کاربردهای نوآورانه، مزایا و چالش‌های پیاده‌سازی هوش مصنوعی مولد در صنعت معدن می‌پردازد.
چشم‌انداز نو در تحول دیجیتال صنایع معدنی هوش مصنوعی مولد چیست؟ مدل‌های مولد مانند GPT، DALL-E و Stable Diffusion، با استفاده از معماری‌های پیشرفته نظیر Transformer، قادرند بر اساس داده‌های ورودی، خروجی‌های جدید و منسجم تولید کنند. در صنایع، این مدل‌ها برای تولید متن، تصویر، طراحی، سنسارپوهای شبیه‌سازی و حتی کدهای برنامه‌نویسی به‌کار می‌روند. در زمینه معدن، این به معنای خلق مدل‌های زمین‌شناسی، شبیه‌سازی سنسارپوهای حفاری، بهینه‌سازی فراوری مواد و طراحی زنجیره تامین مبتنی بر شرایط متغیر است. کاربردهای هوش مصنوعی مولد در معدن هوش مصنوعی مولد با ورود به زنجیره ارزش صنعت معدن، نقش‌های متنوعی ایفا می‌کند. در مراحل اکتشاف، این فناوری می‌تواند با ترکیب داده‌های حفاری، ژئوفیزیکی و توپوگرافی، مدل‌های سه‌بعدی احتمالاتی از ساختارهای زیرزمینی ارائه دهد که درک دقیق‌تری از ذخایر فراهم می‌سازد و نیاز به نمونه‌برداری فیزیکی مکرر را کاهش می‌دهد. در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی عملیات، مدل‌های مولد توانایی تولید سناریوهای متنوع استخراج بر اساس محدودیت‌های زمین‌شناسی، اقتصادی یا زیست‌محیطی را دارند؛ سناریوهایی که می‌توانند در شبیه‌سازی‌های آموزشی برای ارتقای مهارت پرسنل نیز به‌کار روند. در حوزه فراوری، تحلیل داده‌های تاریخی با کمک این مدل‌ها می‌تواند به پیش‌بینی‌های برای بهینه‌سازی عملکرد، کاهش مصرف انرژی و افزایش نرخ بازایی منجر شود. همچنین در لایه‌های مدیریتی، مدل‌های زبانی مولد قادرند گزارش‌های تولید، حفاری، ایمنی یا زیست‌محیطی را به‌صورت خودکار و مبتنی بر داده‌های خام تولید کنند که ضمن صرفه‌جویی در زمان، به تصمیم‌سازی دقیق‌تر نیز کمک می‌کند. در نهایت، در زمینه آموزش و انتقال دانش، ابزارهای تعاملی مبتنی بر مدل‌های مولد مانند چت‌بات‌ها و شبیه‌سازی‌های تعاملی نقش پررنگی در آماده‌سازی نیروی انسانی برای مواجهه با شرایط پیچیده و بحرانی ایفا می‌کنند. مزایای استفاده از Generative AI در معدن افزایش سرعت تصمیم‌سازی در محیط‌های پیچیده و متغیر شما بیهوده‌ای؛ تو بیهما‌باز بدون پیش‌پرداخت کاهش وابستگی به نیروی انسانی متخصص در شرایط بحرانی کاهش هزینه‌های آزمایش و خطا در طراحی و اکتشاف بهبود تعامل انسان-ماشین از طریق ابزارهای تعلیمی چالش‌ها و محدودیت‌ها داده‌های ناگفتی یا نامتوازن: مدل‌های مولد برای عملکرد مطلوب به داده‌های حجیم، دقیق و تمیز نیاز دارند؛ درحالی‌که داده‌های معدن اغلب پراکنده و ناهمگون هستند. ریسک تولید خروجی‌های نادرست یا غیرواقعی: مدل‌های مولد می‌توانند اطلاعات ساختگی (hallucination) تولید کنند که در تصمیمات حیاتی معدن خطرناک است. مسائل مالکیت داده و حریم خصوصی: داده‌های حفاری و زمین‌شناسی اغلب محرمانه‌اند. استفاده از مدل‌های این بدون مدیریت دقیق، می‌تواند منجر به نشت داده شود. نیاز به زیرساخت محاسباتی قوی: اجرای مدل‌های بزرگ مولد در مقیاس صنعتی نیاز به GPU قدرتمند و منابع فنی بالا دارد. تجربه‌های بین‌المللی و چشم‌انداز ایران شرکت‌هایی مانند «Vale»، «BHP» و «Anglo American» پروژه‌هایی برای استفاده از Generative AI در مدل‌سازی زمین‌شناسی، تولید گزارش‌های هوشمند و آموزش کارگران آغاز کرده‌اند. در برخی موارد از مدل‌های -GPT ۴، Stable Diffusion و Llama در بسترهای امن داخلی استفاده شده است. در ایران، با رشد برنامه‌های معدن هوشمند توسط ایدمیرو و همکاری‌هایی با مراکز فناوری (از جمله دانشگاه‌ها)، فرصت مناسبی برای بومی‌سازی مدل‌های مولد متناسب با شرایط زمین‌شناسی کشور فراهم‌است. طراحی مدل‌های زبانی تخصصی فارسی در حوزه زمین‌شناسی و معدن نیز می‌تواند یک گام راهبردی باشد. هوش مصنوعی مولد نه‌تنها ابزاری برای بهبود بهره‌وری است، بلکه به‌عنوان یک همکار مجاری، می‌تواند در تصمیم‌سازی، طراحی، تحلیل و آموزش در معدن نقش آفرینی کند. آینده صنعت معدن، بدون ادغام هوش مصنوعی مولد، نمی‌تواند هوشمند و رقابتی باشد. با این حال، پیاده‌سازی مسئولانه، امن و هدفمند آن، نیازمند شناخت دقیق ظرفیت‌ها، چالش‌ها و بسترهای داده‌ای موجود است.

وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده کسب‌وکار را مبهم نشان می‌دهد. مدیران اقتصادی کاهش تقاضا و محدودیت در خرید مواد اولیه را علت اصلی کاهش تولید می‌دانند. این روند هم‌راستا با آمار رسمی رشد اقتصادی و ارزش افزوده صنعت، انطباق انتظارات منفی فعالان با واقعیت‌های اقتصادی را تایید می‌کند.

واکاوی عملکرد صنعت در تیرماه

شامخ بخش صنعت نیز با ثبت رقم ۴۷.۷ برای ششمین ماه پیاپی در محدوده زیر ۵۰ قرار گرفته و تعمیق رکود را به ویژه در صنایع «ساجی، پوشاک و چرم»، «فرآورده‌های نفت و گاز»، «وسایل نقلیه و قطعات وابسته»، «لاستیک و پلاستیک» و «محصولات فلزی» برجسته می‌کند؛از دیدگاه مدیران صنعتی، این بخش در تیرماه همچنان درگیر رکود مانده است. مقدار شاخص تحت‌تاثیر پایین بودن در چهار مولفه اصلی («مقدار تولید محصولات»، «میزان سفارشات جدید مشتریان»، «موجودی مواد اولیه خریداری شده» و «میزان استخدام نیروی انسانی») قرار گرفته است. بر اساس گزارش شامخ، مولفه «مقدار تولید محصولات» به ۴۷ رسیده‌است. این عدد نتیجه همزمان عوامل داخلی مانند قطعی‌های مکرر و غیرقابل پیش‌بینی برق، محدودیت دسترسی به آب و حتی تعطیلات غیرمعمول با هدف صرفه‌جویی در مصرف آب و برق، موجب اختلال در فرآیندهای تولید و توقف آن در برخی از صنایع شده‌است. از سوی دیگر، افزایش سطح عمومی قیمت مواد اولیه و واسطه‌ای مورد نیاز واحدهای صنعتی، کمبودها و محدودیت دسترسی به این مواد، نوسانات نرخ ارز، تأخیر در تخصیص ارز و فرآیندهای زمان‌بر گمرکی، زنجیره تامین واحدهای صنعتی را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌است. در بعد مالی نیز، افزایش هزینه‌های تولید، کاهش نقدینگی، دشواری در دریافت تسهیلات بانکی و همچنین تضعیف قدرت خرید مصرف‌کنندگان (که منجر به افت سفارشات جدید شده) موجب محدود شدن ظرفیت تولید بنگاه‌ها شده‌است. همچنین براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شاخص تولید بخش صنعت مبتنی بر شرکت‌های صنعتی بورسی نسبت به ماه قبل با کاهش ۳.۲ درصدی مواجه شده‌است.

مولفه «میزان سفارشات جدید مشتریان» با ثبت عدد ۴۸، برای سیزدهمین ماه متوالی در محدوده کمتر از ۵۰ قرار است. کاهش قدرت خرید به دلیل تورم بالا، افزایش هزینه‌های معیشت و رشد نامتنامی درآمدها تقاضا را تضعیف کرده‌است. نوسانات ارزی و تنش‌های ژئوپلیتیک فضای روانی بازار را تحت‌تاثیر قرار داده و رفتار مصرف‌کنندگان را محطاط‌تر کرده است. در بخش خارجی، میزان صادرات کالا دومین کمترین مقدار خود را طی ۶۳ ماه گذشته از اردیبهشت ۱۳۹۹ ثبت کرده که ممکن است تأمین ارز مورد نیاز در بازار مبادله طلا و ارز بانک مرکزی را با چالش مواجه کند. همچنین مولفه «موجودی مواد اولیه خریداری شده» برای هفدهمین ماه متوالی کمتر از ۵۰ است و در محدوده ۴۲.۵ قرار گرفته‌است. شدت کاهش این مولفه نیز نسبت به ماه قبل کمتر بوده‌است. نوسانات نرخ ارز و تورم بالا قیمت مواد را افزایش داده، محدودیت دسترسی به تسهیلات بانکی نقدینگی را کم کرده و پیچیدگی فرآیندهای واردات مواد اولیه بر شدت این محدودیت‌ها و تداوم اختلال در روند تأمین مواد اولیه افزوده است.

مولفه «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» برای نهمین ماه متوالی کمتر از ۵۰ است و روی عدد ۴۷.۳ قرار گرفته‌است. شدت کاهش این مولفه نسبت به ماه گذشته اندکی کمتر بوده‌است. ناترازی برق تولید را کاهش داده و نیاز به نیروی کار را کم کرده‌است. همچنین، افت تولید ناشی از محدودیت در تأمین مواد اولیه و افزایش هزینه‌ها، فشار مالی مضاعفی بر واحدهای صنعتی وارد کرده که در نهایت منجر به اخراج و یا تعدیل ظرفیت نیروی انسانی شده است. سرعت انجام و تحویل سفارش در بخش صنعت با ثبت رقم ۵۲.۲ تنها مولفه‌ای بوده که از محدوده خنثی فراتر رفته است. این موضوع نشان می‌دهد که با توجه به اختلال در فرآیندهای تولیدی و تأخیر در تحویل سفارشات ماه خرداد ناشی از تهاجم رژیم صهیونیستی به ایران، فعالان صنعتی اکنون ناآشناستند سفارشات معوقه خود را با سرعت بیشتری تحویل دهند.

چرا شامخ مهم است؟

بررسی روند انطباق شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت با رشد ارزش افزوده این بخش (بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران به قیمت ثابت ۱۴۰۰) در گزارش تیرماه ۱۴۰۴، که به عنوان بخشی از ارزیابی صحت‌سنجی این شاخص با واقعیت‌های اقتصادی کشور افزوده شده، حاکی از مهر استایی پیش‌بینی‌ها و انتظارات مدیران صنعتی با تغییرات واقعی تولید صنعتی است. این انطباق، نشان می‌دهد روند شامخ صنعت در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳، به طور کلی با نوسانات رشد ارزش افزوده همسو بوده؛ برای مثال، افت‌های شدید در رشد ارزش افزوده (مانند منفی شدن در برخی فصول) با کاهش شامخ زیر ۵۰ همراه است، درحالی‌که دوره‌های بهبود نسبی رشد با صعود شامخ همخوانی دارد. این مهر استایی نشان‌دهنده این است که دیدگاه مدیران صنعتی بر پایه واقعیت‌های اقتصادی ایران، شکل گرفته و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های کلان باشد.

چشم‌انداز روند صنعت

گزارش شامخ تیر ۱۴۰۴ در جمع‌بندی خود تأکید دارد که شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و بخش صنعت با وجود افت شدید نسبت به ماه قبل همچنان روندی کاهشی نشان می‌دهد،که تداوم رکود و کاهش فعالیت‌های اقتصادی را برجسته می‌کند. کاهش همزمان مولفه‌های اصلی تگرانی‌ها را افزایش داده و نیاز به تدبیر برای برون‌رفت از وضع موجود ضروری می‌سازد.یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تأدام قطعی‌های برق و کمبود منابع آبی است که ظرفیت تولید را کاهش داده و مسوولیت وزارت نیرو برای مدیریت آن حیاتی است. مشکلات تأمین مواد اولیه به دلیل نوسانات قیمت، اختلال در ثبت‌سفارش، محدودیت تخصیص ارز و تأخیر ترخیص، زنجیره تأمین را تحت فشار قرار داده. نااطمینانی‌های اقتصادی و سیاسی، بخش تقاضا را با کاهش قدرت خرید و رفتار محتاطانه مواجه کرده و فشار بر منابع مالی شرکت‌ها را افزایش داده‌است. کمبود نقدینگی، محدودیت تسهیلات، فشارهای مالیاتی و مشکلات وصول مطالبات رکود را تشدید کرده.

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، بر لزوم اجرای کامل و منظم برنامه‌های مدیریت مصرف صنایع تأکید کرد.

اردشیر مذکوری، مدیرعامل شرکت شبکه برق ایران، افزود: تنها با اجرای دقیق و انضباط و پایبندی به برنامه‌ها می‌توان شهرویر را با پایداری شبکه برق پشت سر گذاشت.

وی با اشاره به عبور از قله مصرف سالانه برق، ادامه داد: با توجه به کاهش ذخیره نیروگاه‌های برق‌آبی، لزوم رعایت منظم اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف ضرورت دارد.

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، هدف اصلی برنامه‌های فعلی را مدیریت بهینه ذخایر آبی نیروگاه‌های برق‌آبی برای تولید برق تا پایان مرداد و جلوگیری از عمیق تر شدن ناترازی در شهرویر دانست.

مذکوری با قدردانی از همکاری صنایع انرژی‌بر با صنعت برق، از شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع نیروی برق خواستار نظارت دقیق‌تر بر اجرای سهمیه‌ها در سطح محلی شد.

وی خاطر‌نشان کرد: با اجرای دقیق و منظم برنامه‌های مدیریت مصرف به ویژه در بخش صنعت از وقوع خاموشی بی‌برنامه و بدون اطلاع در بخش خانگی جلوگیری خواهد شد.

گمرک در محاصره سازمان‌ها

فعالان بخش خصوصی کشور معتقدند که وعده وزیر اقتصاد مبنی بر کاهش مدت‌زمان ترخیص کالا به سه روز در صورت کاهش روندهای بوروکراتیک، قابل اجرا خواهد بود؛ مشروط بر اینکه سایر سازمان‌های مسوول در فرآیند ترخیص، همکاری لازم را با گمرک داشته باشند. آنها بر این باورند که تأخیر در ترخیص کالا ناشی از کمبود امکانات و تجهیزات گمرکی نیست؛ بلکه موازی‌کاری سازمان‌ها فرآیند ترخیص را طولانی می‌کند.

بر این اساس، احمدرضا فرشچیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: فرآیند ترخیص کالا در گمرک ششامل دو بخش اصلی است؛ نخست، مراحل مرتبط با خود گمرک، و دوم، اخذ مجوزهای لازم از سازمان‌های مجوزدهنده. به عنوان مثال، ممکن است کالایی وارد گمرک شود و نیاز به مجوز هیچ سازمانی نداشته باشد، اما برای ترخیص ملزم به دریافت مجوز وزارت بهداشت، سازمان استاندارد، دامپزشکی یا سایر نهادهای ذی‌ربط باشد.

او ادامه داد: در صورتی که کالایی نیازمند مجوز سازمان‌های ثانویه نباشد، روند ترخیص معمولاً بین هفت تا ده روز به طول می‌انجامد. البته به شرط آنکه مشکلاتی مانند نقص یا انقضای ثبت‌سفارش، یا اختلال در سامانه‌ها وجود نداشته باشد. اما اگر کالا ملزم به اخذ تاییدیه از سازمان‌هایی همچون استاندارد، بهداشت، دامپزشکی و جهاد کشاورزی باشد، فرآیند ترخیص زمان‌بر می‌شود و مدت آن به‌طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست و گاهی این روند تا دو ماه نیز طول می‌کشد.

رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران توضیح داد: در برخی موارد بازرگانان عنوان می‌کنند که کالای آنها حتی پنج یا شش ماه در گمرک مانده است. علت این تأخیرها معمولاً به مشکلات ثبت‌سفارش بازمی‌گردد یا به تغلل دستگاه‌های مجوزدهنده. برای نمونه، ممکن است کالا نیازمند آزمایش استاندارد باشد، اما امکان انجام این آزمایش در همان محل وجود نداشته باشد و نمونه‌ها به مرکز دیگری، مثلاً در کرج، ارسال شوند. گاهی همین نمونه‌برداری و ارسال دو ماه زمان می‌برد. در مواردی مرکز مرجع نیز اعلام کرده توان انجام آزمایش را ندارد و باید آزمایشگاه دیگری پیدا شود. این موارد نادر است، اما ممکن است رخ دهد. همچنین، مغایرت در مشخصات کالا هم می‌تواند مانع صدور مجوز شود.

فرشچیان گفت: وزارت اقتصاد طرحی را در دست اجرا دارد که هدف آن کاهش زمان ترخیص کالا به سه روز در گمرکات کشور است. درباره امکان تحقق این هدف باید گفت که عملی بودن آن غیرممکن نیست، چرا که در بسیاری از کشورهای جهان چنین روندی وجود دارد. با این حال، تحقق آن نیازمند چند اقدام اساسی است. نخست، موازی‌کاری‌های اداری بین دستگاه‌ها باید حذف شود. در مرحله بعدی، به نتایج آزمایش‌ها یا اجازه انتقال کالا به انبار واردکنندگان و انجام آزمایش‌ها در مراحل بعد اعتماد شود. مرحله سوم نیز به پایداری کامل سامانه‌ها و برخط بودن آنها باز می‌گردد؛ به گونه‌ای که اختلال‌های مکرر سامانه جامع تجارت یا سایر سامانه‌های مرتبط برطرف شود.

او افزود: برای رسیدن به هدف ترخیص سه روزه باید ظرفیت‌های موجود تقویت شود. مشکل اصلی کمبود تجهیزات یا امکانات گمرک نیست، بلکه موازی‌کاری دستگاه‌ها و اختلال سامانه‌ها است. علاوه بر آن، برخی سازمان‌های مجوزدهنده یا توان صدورموقع مجوز را ندارند یا برنامه‌ریزی لازم را انجام نداده‌اند. با رفع این موانع و اجرای هماهنگ این اقدامات دستیابی به ترخیص سه‌روزه نه‌تنها ممکن، بلکه قابل پایدارسازی خواهد بود.

حضور ۲۷ سازمان در گمرک



رکود شش ماهه صنعت

لیلا جلیلووند – «شامخ صنعت» در تیرماه سال جاری با ثبت رقم ۴۷.۷، برای ششمین ماه متوالی در محدوده رکودی قرار گرفت؛ مساله‌ای که در تمام سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده است.

در خردادماه نیز، شامخ صنعت با عدد ۴۲، پایین‌ترین میزان از مهر ۱۳۹۷ را ثبت کرده است. این آمارها به روشنی نشان

می‌دهد که بیماری صنعت در ماه‌های اخیر تشدید شده است و درمان آن با مسکن‌های موقتی امکان‌پذیر نیست. دو مشکل «کمبود تقاضای موثر» و «ناترازی انرژی»، صنعت را تحت فشار قرار داده است. چرخه تولید در نتیجه کاهش تقاضا در داخل و خارج کشور، دچار اختلال شده است. به‌طور مشخص، حل این مساله مستلزم «ایجاد ثبات اقتصادی» و «باز شدن قفل‌های تجارت» است. از سوی دیگر، رفع «ناترازی» بدون سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها ممکن نیست. خاموشی‌های مکرر نه تنها دواى درد کمبود انرژی نبوده، بلکه واحدهای فعال را نیز با خطر ورشکستگی مواجه کرده است. در نهایت بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود و اتخاذ تصمیمات راهبردی، احتمالاً سیرال رکود بیش از شش ماه ادامه خواهد داشت. شاخص مدیران خرید بخش صنعت در تیر ۱۴۰۴ به عدد ۴۷.۷ رسیده؛ این رقم برای ششمین ماه پیاپی زیر مرز خنثی ۵۰ قرار گرفته و حکایت از تعمیق رکود در فعالیت‌های تولیدی کشور دارد. بخش صنعت در ماه‌های اخیر زیر فشارهای چندجانبه‌ای از جمله «قطعی‌های گسترده برق»، «تشدید محدودیت‌های منابع آبی»، «افزایش سطح عمومی قیمت مواد اولیه»، «نوسانات نرخ ارز و تأخیر در تخصیص ارز»، «کمبود نقدینگی و دشواری دریافت تسهیلات بانکی» و «تداوم نااطمینانی» قرار گرفته‌است. در میان‌مدت، این عوامل به‌صورت زنجیره‌ای یکدیگر را تشدید کرده و مانع بازگشت صنعت به مسیر رونق شده‌اند.

در تیرماه، تداوم این فشارها، همراه با نبود چشم‌انداز روشن برای رفع موانع، امید مدیران صنعتی را کمرنگ کرده و شاخص مدیران خرید را از پهنم ۱۴۰۳ تاکنون در محدوده رکودی نگه داشته است. این وضعیت که از آغاز انتشار گزارش شاخص مدیران خرید در سال ۱۳۹۷ بی‌سابقه بوده، زنگ خطری برای تداوم تولید و اشتغال در صنعت به صدا درآورده‌است. رکود ۶ ماهه صنعت، ضرورت اصلاح سیاست‌های صنعتی برای رفع مشکلات فعالان این بخش را بیش از پیش برجسته می‌کند.

اقتصاد ایران در میانه چالش‌ها

گزارش تیرماه ۱۴۰۴ شاخص مدیران خرید منتشر شد؛ این آمار که به صورت ماهانه از مهر ۱۳۹۷ منتشر می‌شود، دیدگاه‌ها و انتظارات فعالان اقتصادی و صنعتی را نشان می‌دهد و ابزاری برای سنجش عملکرد اقتصاد و به ویژه بخش صنعت است تا نقاط ضعف شناسایی و پیشنهادهای عملی ارائه شود. فعالان بخش خصوصی در گزارش تیرماه نمراتی به کل اقتصاد و بخش صنعت اختصاص داده که همچنان در محدوده رکودی قرار دارد و سیگنال‌های منفی را تقویت می‌کند. شاخص کل اقتصاد با ۴۷.۳ همچنان در محدوده رکود باقی مانده و شانزدهمین ماه کاهش متوالی را تجربه کرده است. نکته قابل‌توجه، قرارگیری همزمان هر پنج مولفه اصلی («میزان تولید محصول یا ارائه خدمات»، «سفارشات جدید مشتریان»، «موجودی مواد اولیه»، «استخدام نیروی انسانی» و «سرعت انجام و تحویل سفارشات») زیر ۵۰ است که



لزوم همکاری صنایع در اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف

سرعت ترخیص کالا در گمرکات کشور، یکی از پایه‌های اصلی در تجارت خارجی است و تأخیر در آن، آثار منفی بر اقتصاد ملی برجای می‌گذارد. هر روز تأخیر در ترخیص به معنای افزایش هزینه انبارداری، خواب سرمایه و گاهی از دست رفتن بازار مصرف برای واردکنندگان و تولیدکنندگان است.

این موضوع به‌ویژه در شرایط کنونی که اقتصاد کشور با محدودیت منابع انرژی و فشارهای تورمی روبه‌رو است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. «زمان ترخیص کالا به سه روز کاهش می‌یابد.» این وعده‌ای است که سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص کاهش مدت‌زمان ترخیص کالا در گمرکات کشور مطرح کرده است. با این وجود فعالان تجاری کشور معتقدند که در شرایط فعلی، تحقق این وعده به سختی امکان‌پذیر است. دلیل آن است که گمرک تنها دستگاهی نیست که در فرآیند ترخیص مسوولیت دارد، بلکه ۲۷ دستگاه دیگر نیز در این پروسه دخیل هستند. بنابراین تحقق وزیر اقتصاد مستلزم همکاری بین وزارتخانه‌های مختلف و دستگاه‌های اجرایی است.

مسوولان وزارت اقتصاد راهکار تسریع فرآیند ترخیص کالا را هوشمندسازی نظام گمرکی کشور می‌دانند که به کمک این سامانه‌ها می‌توان متوسط زمان ترخیص را به سه روز کاهش داد. مسوولان این وزارتخانه تأکید دارند که انجام تدابیر لازم جهت پیش‌اطهاری و پیش‌بازرسی کالا پیش از ورود به مرز یا بندر از دیگر برنامه‌های گمرک است تا فرآیند ترخیص بلافاصله پس از ورود آغاز شود. این مهم با تخصیص به‌موقع ارز و صدور کد رهگیری توسط بانک مرکزی محقق خواهد شد. همچنین تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و هوشمندسازی فرآیندها با استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، امضای دیجیتال و اسناد الکترونیکی از دیگر برنامه‌های در دستور کار گمرک است.

مسوولان گمرک بر این باورند که باید هماهنگی و هم‌افزایی میان دستگاه‌های همجوار برای کاهش موازی‌کاری و جلوگیری از دوباره‌کاری در بازرسی‌ها صورت گیرد. آموزش و توانمندسازی نیروهای انسانی در گمرک و سازمان‌های همکار برای اجرای سریع و دقیق رویه‌های نوین نیز از دیگر برنامه‌هایی است که در دستور کار گمرک قرار دارد. البته در نگاه فعالان اقتصادی، کاهش زمان ترخیص کالاها از گمرک دور از ذهن نیست. برای مثال، در زمان جنگ تحمیلی ۱۲روزه، زمان ترخیص کالا‌های اساسی با کاهش بوروکراسی‌های پیشین کوتاه شد.

آمارهای جهانی

تجربه‌های متعددی در سبایر کشورها وجود دارد که بر اساس آن می‌توان فرآیند ترخیص کالا را کاهش داد. در واقع عرف جهانی بر این است که گمرک تا حداکثر هفت روز فرآیند ترخیص کالا را به پایان برسانند. برای مثال، ترخیص کالا در بندر سنگاپور به‌عنوان بزرگ‌ترین بندار ترانزیتی جهان، دو الی چهار روز طول می‌کشد. در بندر روتردام، این زمان گاه به کمتر از ۳۶ ساعت می‌رسد. در بندر شانگهای که روزانه بیش از ۴۰هزار کانتینر را پردازش می‌کنند، میانگین زمان ترخیص به سه الی پنج روز محدود می‌شود. در بندر لندن با وجود فشار ناشی از تجارت با شرق آسیا، میانگین ترخیص در حالت عادی سه تا هفت روز است. نقش مشترک بندرهای بزرگ جهان، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، دیجیتالی‌سازی فرآیندها و هماهنگی نهادی است که در نظر فعالان اقتصادی، ایران با آنها فاصله زیادی دارد.

افزایش سرعت ترخیص

روزنامه مارز هتسهد

شنبه۲۵ مرداد ۱۴۰۴• شماره ۷۴۰

www.marzeghtesad.ir

روزنامه مارز هتسهد

❖ فلیک به دنبال تسخیر دوباره لالیگا

روز گذشته و با برگزاری دو مسابقه از هفته اول رقابت‌ها، فصل جدید رقابت‌های لالیگای اسپانیا آغاز شد و امروز از ساعت ۲۱، تیم بارسلونا مدافع عنوان قهرمانی در خانه مایورکا اولین مسابقه فصل خود را برگزار می‌کند. بارسلونایی که برخلاف تصورات، در این تابستان هزینه چندینی نداشته و با کمترین تغییرات ممکن و پس از حواشی یک تابستان سخت، پا به این دیدار می‌گذارد. خوان لاپورتا و تیم مدیریتی‌اش در این پنجره برای نقل و انتقالات ۲۵ میلیون یورو یعنی کمتر از تیم‌های چون رئال بتیس و ویراثل هزینه کرده‌اند؛ این در حالی است که دو رقیب اصلی بارسلونا یعنی رئال مادرید و اتلتیکو مادرید، بیش از ۱۷۵ میلیون یورو برای تقویت ترکیب خود پس از قهرمانی بارسلونا در فصل گذشته هزینه کرده‌اند. از میان خریدهای بارسلونا اما تنها خوان گارسیا دروازه‌بان ۲۴ ساله فصل گذشته اسپانیول اجازه حضور در رقابت با مایورکا را دارد چرا که پس از تأیید مصدومیت پنج ماهه تراشتگن توسط لالیگا، قرارداد گارسیا ثبت شده و باید شاهد اولین بازی این سنگریان درون دروازه بلوگرا باشسیم. با این حال قرارداد قرضی مارکوس رشفورد هنوز در لالیگا ثبت نشده و خود هانسی فلیک نیز در نشست خبری پیش از اولین مسابقه تیم، صراحتاً اعلام کرد که از روند ثبت‌نام بازیکنان تیمش برای فصل پیش رو رضایت ندارد. البته این تنها خبر بزرگ فلیک در نشست خبری پیش از مسابقه نبوده سرمربی المانی قهرمان فصل گذشته لالیگا تا باید خبر رسانه‌های مختلف اعلام کرد که بارسلونا در خط دفاعی، جانشینی برای اینیگوس ماریتینز که به طور ناگهانی راهی النصر عربستان شد، جذب نمی‌کند و روی جرارد مارتینز در خط دفاعی حساب باز کرده است. هواداران بارسلونا چندان از این تصمیم راضی نیستند اما محدودیت‌های مالی باشگاه، اجازه هزینه در خط دفاعی به آنها را نمی‌دهد. دیگر غایب بزرگ بارسلونا در این مسابقه، روبرت لواندوفسکی است که به دلیل مصدومیت، هفته ابتدایی لیگ را از دست داده و احتمالاً فران تئوس در ترکیب اصلی جای او را بگیرد.

با وجود اینکه بارسلونا بیش از هر تیمی در قرن ۲۱ موفق به پیروزی در خانه مایورکا با ۱۴ برد شده، نباید مایورکا را یک رقیب دست و پا بسته قلمداد کرد. تیم دهم فصل گذشته لالیگا که با ثبات خوبی در لیگ حضور داشت، پس از تقابل با شباب الاهلی، لیون، پارما و هامبورگ در دیدارهای تدارکاتی پیش‌فصل پا به این رقابت می‌گذارد. باگوبو آرماتنه که شش سال روی نیمکت لاس‌وناسا عملکرد مطلوبی داشت، هدایت مایورکا را برعهده دارد و تیم او می‌خواهد در هفته نخست لالیگا، یک شگفتی بزرگ را رقم بزند. پابلو توره هافبک سابق بارسلونا که فصل گذشته در ۱۴ مسابقه برای تیم فلیک میدان رفت، یکی از امیدهای مایورکا برای این مسابقه خواهد بود. ضمن اینکه این تیم برای جذب متئو جوزف یکی از بازیکنان تیم زیر ۲۱ سال انگلیس در جریان قهرمانی اروپایی سه‌شیرها از لیدز نیز هزینه خوبی کرده و باید شاهد یک چهره متفاوت از مایورکا در فصل پیش رو لالیگا باشیم.

اول حل کنند و تیم با تمام نفراتش به میدان برود. با این حال اقدام رسمی باشگاه پرسپولیس قرار است امروز و در فاصله دو روز مانده تا بازی فجرسیاسی اتفاق بیفتد. باشگاه پرسپولیس قصد دارد طی نامه‌ای به فدراسیون فوتبال شرایط ثبت قراردادهای بازیکنان جدیدش را فراهم بیاورد چرا که به زعم مدیران این باشگاه اعمال سقف بودجه برای این باشگاه قانونی نیست.

باشگاه پرسپولیس در این نامه خطاب به فدراسیون فوتبال که رونوشت آن را به کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) خواهد فرستاد رسماً اعتراض خود را نسبت به قانون «سقف بودجه» که از سوی فدراسیون فوتبال ایران در سه فصل اخیر اعمال شده، اعلام خواهد کرد.

در این نامه آمده که فدراسیون فوتبال ایران به عنوان عضوی از فیفا و AFC، موظف است مقررات این دو نهاد را رعایت کرده و قوانین داخلی خود را با آنها هماهنگ کند. پرسپولیسی‌ها می‌گویند بر اساس مقررات فیفا و AFC، فدراسیون‌های ملی تنها مجاز به نظارت بر وضعیت مالی باشگاه‌ها هستند و تعیین سقف هزینه برای باشگاه‌ها خارج از اختیارات آنهاست. باشگاه پرسپولیس فصل قبل هم از این قانون لطمه خورد و بعدتر همین مسأله موجب شد تا هجمه سنگینی علیه رضا درویش به وجود بیاید. در آن مقطع درویش با رعایت سقف بودجه نتوانست بازیکنان مهمی مثل ترابی و بیرانوند را حفظ کند اما سه باشگاه پرهزینه دیگر به راحتی قانون را دور زده و در نهایت این پرسپولیس بود که در نقل و انتقالات تابستانی ضرر کرد.
در ابتدای فصل نقل و انتقالات امسال، درویش با علم به اتفاقات سال گذشته از ابتدا با توپ بر وارد بازار نقل و انتقالات شد چرا که اعتقاد داشت دیگر قانون سقف بودجه اعمال نخواهد شد اما حالا به نوعی سورپرایز شده است. در حال حاضر باشگاه پرسپولیس و مدیرانش اعتقاد دارند قانون «سقف بودجه» مغایر با اصول فیربلی مالی بوده و نه‌تنها کمکی به شفاف‌سازی مالی نمی‌کند، بلکه خود عاملی برای افزایش پرداخت‌های غیررسمی، ایجاد رقابت ناعادلانه و کاهش شفافیت مالی خواهد شد. در مقابله با حرکت اخیر فدراسیون، باشگاه پرسپولیس در نامه خود مسأله حق پخش را پیش کشیده و روی این نکته تأکید داشته در شرایطی که با وجود پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی به باشگاه‌ها، محدود کردن هزینه‌های آنها بدون تأمین منابع درآمدی مشروع، از نگاه باشگاه پرسپولیس، خلاف اصول بین‌المللی است. باشگاه پرسپولیس با اشاره به ساختار مالی خود و سوددهی از طریق برند و قراردادهای اسپانسری، تأکید کرده چون توانسته مجوز حرفه‌ای AFC را دریافت کند دلیلی برای اعمال محدودیت مالی از سوی فدراسیون برای این باشگاه وجود ندارد. به همین خاطر این باشگاه از فیفا و AFC می‌خواهد مغایرت‌های قانونی سقف بودجه با مقررات بین‌المللی بررسی شود، فدراسیون فوتبال ایران به لنو فوری این قانون ملزم شود و تمام قوانین مالی داخلی تنها بر پایه اصول فیفا و AFCمدون شود. با این حساب باشگاه پرسپولیس دست به دامن فیفا و AFC شده تا این مشکل را حل کند چرا که از اساس قانون سقف بودجه را قبول ندارد و برای آن دلایل حقوقی و قانونی دارد. با این حال به نظر می‌رسد این باشگاه مجبور است یا به خواسته فدراسیون تن دهد یا به نوعی تعامل کند وگرنه بعدد است در هفته اول فصل تازه بتواند از خریدهای جدیدش استفاده کند.

ترکیب پرسپولیس در صورت بن‌بست در ثبت قراردادها

باشگاه پرسپولیس اعلام کرده در تلاش است تا قرارداد بازیکنان جدیدش را قبل از بازی مقابل فجرسیاسی ثبت کند تا تیم مشکلی نداشته باشد و با همه نفرات به میدان برود. با این حال ضمن در نظر گرفتن مشکلات مربوط به این مسأله، امکان حل نشدن موضوع هم وجود دارد.

با این حساب به نظر می‌رسد کادر فنی پرسپولیس باید حالت دوم را هم در نظر بگیرد و آماده بازی بدون خریدهای تازه و با نفرات فعل قبل باشد. پرسپولیس در حالی شاید نتواند از ۱۰ بازیکن جدید خود استفاده کند که برخی از این نفرات مثل نیازمند، باکیج، بیغوما یا شکاری احتمالاً در ترکیب اصلی قرار خواهند گرفت یا مثل محمدامین کاظمیان، سرژ اوریه و محمد معمری نزدیک به ارجح اصلی هستند.

با این حال به نظر می‌رسد اگر قرارداد این نفرات به هر دلیلی تا قبل از دوشنبه شب ثبت نشود، با در نظر گرفتن شرایط بازیکنان و ترکیب‌هایی که در بازی‌های پیش فصل به میدان رفته‌اند پرسپولیس مجبور است احتمالاً با ترکیب امیررضارقیعی، مرتضی پورعلی گنجی، محمدحسین کنعانی‌زادگان، میلاد محمدی، یعقوب برجعه، میلاد سرلک، محمد خدایندملو، سروش رفیعی، وحید امیری، امید عالیشاه و علی علویور مقابل فجر به میدان برود.

قانون سقف بودجه قانونی نیست



❧ عرفان حمیدی – روز چهارشنبه و در فاصله کمتر از ۵روز تا نخستین بازی پرسپولیس در فصل تازه، ارکان باشگاه و هواداران این تیم با یک خبر عجیب شوکه شدند.

خبر این بود؛ به خاطر رعایت نکردن سقف بودجه، باشگاه پرسپولیس نمی‌تواند قرارداد بازیکنان جدید خود را ثبت کند. بر اساس بخشنامه فدراسیون فوتبال،

باشگاه‌های لیگ برتری در فصل جاری مجاز هستند تنها ۳۰ درصد به بودجه فصل گذشته خود اضافه کنند. در صورتی که مجموع قرارداد بازیکنان و کادر فنی از این سقف عبور کند، سامانه ثبت قراردادها از تأیید آنها جلوگیری خواهد کرد و باشگاه نمی‌تواند از بازیکنان جدیدش استفاده کند.

۱- پیام نیازمند، ۲- سجاد ابرقویی، ۳- سرز اوریه، ۴- مارکو باکیج، ۵- رضا شکاری، ۶- محمد عمری، ۷- امین کاظمیان، ۸- محمدحسین صادقی، ۹- تیوی بیغوما، ۱۰- مجتبی فخریان بازیکنانی هستند که قراردادشان ثبت نشده و تا قبل از شروع فصل باید اصلاح شود وگرنه این بازیکنان از حضور در مسابقه اول فصل محروم خواهند بود.

البته در کنار این مسأله رضا درویش مدیرعامل باشگاه باید تعهدنامه‌ای را امضا کند و اطمینان بدهد در عقد قرارداد با این بازیکنان از سقف بودجه در نظر گرفته برای فصل جدید عبور نکرده است. همچنین رضا درویش باید اقرارنامه‌ای را امضا کند که در آن ذکر شده تمام مبالغی که به عنوان رقم قرارداد بازیکنان پرسپولیس به سازمان لیگ ارائه می‌شود واقعی است و این باشگاه هیچ پولی خارج از قرارداد به بازیکنان خود پرداخت نکرده و اگر خلاف این ادعا ثابت شود، سازمان لیگ می‌تواند علاوه بر محرومیت بلندمدت و حتی مادام العمر رضا درویش، پرونده او را به محاکم قضایی ارسال کند.

بعد از انتشار این خبر سخنگوی باشگاه پرسپولیس در واکنشی با تأیید اتفاق رخ داده با کنایه اعلام کرد سعی خواهند کرد این مشکل را تا قبل از بازی هفته



پروژه مشکوک عارف بک!

در حالی که هواداران استقلال منتظر بودند

مدیران استقلال با جذب بازیکنان هجومی خط حمله این تیم را تقویت کنند، اما در اقدامی عجیب و بحث‌برانگیز اقدام به جذب عارف غلامی شده، بازیکنی که در دو سال اخیر نمایش بسیار ضعیفی داشته است.

عارف غلامی سه فصل پیش به دلیل نمایش ضعیف از استقلال کنار گذاشته شد و مدتی بدون تیم بود و در حالی که ادعا می‌کرد راهی لیگ فرانسه خواهد شد و با تیم‌های لاشامپیونه قرارداد خواهد بست، اما سر از لیگ بوسنی را آورد و در تیم ولژ موستار دیده شد. البته این قرارداد نیز منجر به

واژه موستار دیده شد.

البته این قرارداد نیز منجر به

احیای دوباره این بازیکن نشد و او فقط در ۷ بازی برای این تیم به میدان رفت و غالباً نیمکت‌نشین بود. مدافع پراشتیبه فوتبال ایران که اصلاً در حد و اندازه تیم‌های بزرگ نیست، اما به سبب نفوذ مدیربرنامه‌اش ناگهان سر از تیم بزرگ تراکتور درآورد که البته این انتقال نیز به لحاظ فنی برای این بازیکن هیچ محصولی نداشت و این بازیکن در تراکتور نیز تعداد بازی‌هایش به عدد ۴ رسید!

در مجموع غلامی طی دو سال اخیر در ۱۱ بازی به میدان رفته که آمار بسیار ضعیفی است، اما در کمال شگفتی و نابوری باشگاه استقلال اقدام به جذب این بازیکن کرده است و روشن نیست که استعداد مدیران و مالکان استقلال از جذب چنین بازیکنی که محبوبیتی میان هواداران استقلال ندارد و بشدت از بازگشتش انتقاد شده، چیست؟!

اگر فضای مجازی را در یک ماه اخیر آنالیز کنیم به این نتیجه می‌رسیم که تعداد مخالفان عارف فرائز از تصورات است و این بازیکن اساساً جایگاهی در میان هواداران استقلال ندارد.

اینکه چه طور تصمیم‌گیران در باشگاه استقلال به این نتیجه می‌رسند که از میان گزینه‌های موجود به سراغ عارف غلامی بروند سؤال مهمی است که باید پاسخ آن داده شود. شگفتی البته وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینیم غلامی درست بعد از برکناری نظری جویباری از استقلال قراردادش را با این باشگاه منعقد می‌کند که این نشان می‌دهد به احتمال زیاد جویباری با بازگشت این بازیکن مخالف بوده و طی روزها و هفته‌های اخیر تلاش می‌کرده به هر نحو ممکن مانع از بازگشت غلامی شود.

حتی خبرگزاری فارس در گزارشی به شایعه روابط این بازیکن با یکی از اعضای هیأت مدیره باشگاه استقلال اشاره کرده که البته اغلب می‌دانند این حمایت‌ها از کجا نشأت می‌گیرد، اما به هرحال جایگاه رفیع استقلال سبب شده چندان به این موضوعات پرداخته نشود تا احیاناً حاشیه‌ای برای این باشگاه بزرگ و مردمی ایجاد نشود، اما در پس پرده این باشگاه اتفاقاتی رخ می‌دهد که همه را حیرت‌زده و متعجب می‌کند.به هرحال هواداران استقلال امیدوارند سرمایه‌های این باشگاه صرف بازیکنان معمولی و سطح پایین نشود اما بازگشت غلامی واقعیت دیگری را به اثبات می‌رساند.



احیای دوباره این بازیکن نشد و او فقط در ۷ بازی برای این تیم به میدان رفت و غالباً نیمکت‌نشین بود. مدافع پراشتیبه فوتبال ایران که اصلاً در حد و اندازه تیم‌های بزرگ نیست، اما به سبب نفوذ مدیربرنامه‌اش ناگهان سر از تیم بزرگ تراکتور درآورد که البته این انتقال نیز به لحاظ فنی برای این بازیکن هیچ محصولی نداشت و این بازیکن در تراکتور نیز تعداد بازی‌هایش به عدد ۴ رسید!

در مجموع غلامی طی دو سال اخیر در ۱۱ بازی به میدان رفته که آمار بسیار ضعیفی است، اما در کمال شگفتی و نابوری باشگاه استقلال اقدام به جذب این بازیکن کرده است و روشن نیست که استعداد مدیران و مالکان استقلال از جذب چنین بازیکنی که محبوبیتی میان هواداران استقلال ندارد و بشدت از بازگشتش انتقاد شده، چیست؟!

اگر فضای مجازی را در یک ماه اخیر آنالیز کنیم به این نتیجه می‌رسیم که تعداد مخالفان عارف فرائز از تصورات است و این بازیکن اساساً جایگاهی در میان هواداران استقلال ندارد.

اینکه چه طور تصمیم‌گیران در باشگاه استقلال به این نتیجه می‌رسند که از میان گزینه‌های موجود به سراغ عارف غلامی بروند سؤال مهمی است که باید پاسخ آن داده شود. شگفتی البته وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینیم غلامی درست بعد از برکناری نظری جویباری از استقلال قراردادش را با این باشگاه منعقد می‌کند که این نشان می‌دهد به احتمال زیاد جویباری با بازگشت این بازیکن مخالف بوده و طی روزها و هفته‌های اخیر تلاش می‌کرده به هر نحو ممکن مانع از بازگشت غلامی شود.

حتی خبرگزاری فارس در گزارشی به شایعه روابط این بازیکن با یکی از اعضای هیأت مدیره باشگاه استقلال اشاره کرده که البته اغلب می‌دانند این حمایت‌ها از کجا نشأت می‌گیرد، اما به هرحال جایگاه رفیع استقلال سبب شده چندان به این موضوعات پرداخته نشود تا احیاناً حاشیه‌ای برای این باشگاه بزرگ و مردمی ایجاد نشود، اما در پس پرده این باشگاه اتفاقاتی رخ می‌دهد که همه را حیرت‌زده و متعجب می‌کند.به هرحال هواداران استقلال امیدوارند سرمایه‌های این باشگاه صرف بازیکنان معمولی و سطح پایین نشود اما بازگشت غلامی واقعیت دیگری را به اثبات می‌رساند.

ریکاردو ساپینتو از سوی فدراسیون فوتبال مورد عفو قرار می‌گیرد یا خیر؟ آیا تصمیم‌گیران در فوتبال ایران با بازگشت این مربی پرتغالی به نیمکت استقلال موافقت خواهند کرد یا خیر؟! این سؤالی است که هنوز از سوی مسئولان در فدراسیون فوتبال به آن پاسخ داده نشده است و انگار بنا نیست فعلاً در خصوص ریکاردو ساپینتو تصمیم خاصی اتخاذ شود. در همین راستا باشگاه استقلال پیش از سوپر جام مکاتباتی با فدراسیون فوتبال داشت تا شاید موجبات بازگشت سرمربی خود به نیمکت این تیم را فراهم آورد، اما در فدراسیون فوتبال فعلاً عزمی برای تصمیم‌گیری در این خصوص و پاسخگویی به نامه رسمی باشگاه استقلال وجود ندارد و شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که انگار حالا حالاها قرار نیست ساپینتو به نیمکت آبی‌ها بازگردد.

در این خصوص روایت‌های متعددی از ساختمان فدراسیون فوتبال به گوش می‌رسد. برخی خبرها حکایت از نگرانی فدراسیون‌نشین‌ها از تکرار رفتارهای ساپینتو در کنار زمین دارد و گفته می‌شود مسئولان انضباطی در فدراسیون فوتبال به شخص رئیس فدراسیون فوتبال توصیه کرده‌اند که مدتی تصمیم‌گیری در خصوص بخشش ساپینتو را به حال خود رها کنند تا دوباره رفتارهای این سرمربی در حین برگزاری مسابقات و در شرایطی که روی سکوها نشسته، مورد ارزیابی قرار بگیرد.

ظاهراً افرادی که در فدراسیون فوتبال در این خصوص تصمیم‌گیرنده هستند، نگرانند که ساپینتو دوباره به همان مرد خشمگین و عصبانی کنار زمین تبدیل شده و حاشیه‌هایی را ایجاد کند و به همین دلیل درخواست‌هایی شده که درباره

آبروی پارالمپیک



گاهی اوقات بعضی از آدم‌ها به دنیا می‌آیند

تا یک کاری را به بهترین شکل ممکن انجام بدهند. اصلاً ساخته شده‌اند برای یک کار به خصوصی که آن را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. زهرا نعمتی نمونه‌ای بارز از اراده و پشتکار است و ظاهراً او به دنیا آمده تا اراده

و پشتکارش همه دنیا را شگفت‌زده کند. زهرا نعمتی با وجود معلولیت، موفق به کسب مدال طلای پارالمپیک شده و الهام‌بخش بسیاری از افراد در سراسر جهان است. این بانوی قهرمان در آخرین دستاوردی که داشت جایزه ویژه مسئول برتر آسیا را در مجمع عمومی کمیته

ملی پارالمپیک کسب کرد. او با گام‌های استوارش، نه تنها بر قله‌های افتخار در دوران قهرمانی تکیه زد، بلکه با کنار گذاشتن

رخت ورزشکاری وارد عرصه مربیگری شده و در چهارمین دهه زندگی‌اش می‌خواهد در این عرصه هم مثل یک قهرمان بدرخشد.

زهرا نعمتی سرمربی تیم ملی پاراتیتراندازی باکمان و کماندار پرافتخار ایران در حالی عنوان مسئول برتر آسیا را ماجد راشد اماراتی رئیس پارالمپیک آسیا را دریافت کرد که نشان داد با وجود معلولیت، هرگز پرواز را رها نکرده، بلکه بالا هایش را قوی‌تر

کرده و مدام انرژی خود را به تمام علاقه‌مندان به ورزش منتقل می‌کند.

حتی در روزهایی که ورزش ایران شرایط خوبی را ندارد و حتی در پارالمپیک هم خبر خاصی نیست و وقتی در مجمع مهم

سالانه پارالمپیک آسیا هم حرفی برای گفتن ندارند، زهرا نعمتی آبروداری می‌کند و با دریافت یک جایزه مهم سسر ایرانی‌ها

را بالا می‌آورد؛ زهرا نعمتی ثابت کرده که محدودیت تنها در ذهن افراد وجود دارد و با ایمان و تلاش می‌توان با وجود تمام

مشکلات مرزها را ردنوردید. او با طلای پارالمپیک لندن شروع کرده و با طلا و نقره ریو و طلای توکیو ادامه داد اما افتخاراتی

که کسب کرده هرگز کمتر از این مدال‌هایش نبوده. دریافت جایزه ورزشکار برتر از بنیاد بین‌المللی اسپورت آکورد و سخنرانی

در سازمان ملل متحد و حالا دریافت جایزه مسئول برتر آسیا همه اهمیتشان کمتر از آن طلاها و افتخارآفرینی‌ها نیست. او

آبروی ورزش پارالمپیک بوده و هر روز این آبرو و اعتبار آفرون‌تر می‌شود. او نشان داده که یک اسطوره است، یک قهرمان

واقعی که با درخشش، به خیلی‌ها اراده زندگی کردن داد. در دومین روز گردهمایی کمیته پارالمپیک آسیا، چشم‌اندازی

روشن و برنامه‌های جامع برای برگزاری باشکوه‌ترین و هیجان‌انگیزترین رقابت‌های پاراتیتراندازی آسیایی جوانان در دبی ۲۰۲۵ مطرح و

مورد تأیید قرار گرفت. این رویداد بین‌المللی با حضور بیش از ۱۵۰۰ ورزشکار از ۴۵ کشور آسیایی در ۱۱ رشته ورزشی برگزار

خواهد شد. رقابت‌ها در ۴ ورزشگاه مدرن و با مشارکت نزدیک به ۵۰۰۰ شرکت‌کننده به اجرا درمی‌آید که نشان‌دهنده وسعت

و اهمیت این مسابقات است. رشته دو و میدانی با ۴۳۲ ورزشکار و رشته مچ‌اندازی با ۲۰۰ ورزشکار به‌عنوان پرجمعیت‌ترین

رشته‌های مسابقات در این دوره، نقش کلیدی در این رویداد دارند.

ساپینتو را بخشیم یا نبخشیم



بخشش او فعلاً تصمیم‌گیری نشود تا دست‌کم ساپینتو طعم تلخ محرومیت را چشیده تا شاید در ادامه لیگ دیگر دست به اقدامات حاشیه‌ساز نزند. از سویی موضوع رصد ساپینتو روی سکوها نیز مطرح شده که این هم جای تأمل دارد و این دو عامل در واقع دست به دست هم داده تا درباره سرمربی استقلال به جمع‌بندی و تصمیم نهایی نرسند.

در عین حال، اما بازیکنان استقلال با به راه انداختن یک پویش در فضای مجازی خواستار بازگشت سرمربی خود به نیمکت شده‌اند که مشخص نیست این سلسله اقدامات آیا اثری در حکم صادره از سوی کمیته استیناف فدراسیون فوتبال خواهد داشت یا خیر. به واقع اگر در فدراسیون فوتبال عزم بر تنبیه ساپینتو

باشد، این فشارها کارگر نمی‌افتد اما چنانچه بخواهند موضوع را به گونه دیگری حل کنند و فرصتی به ساپینتو بدهند، شاید ماجرا به سود استقلال تغییر کند وگرنه حتی ممکن است این محرومیت به طور کامل اجرا شود.

پیام بازیکنان استقلال به تاج

فراموش نکنیم سایي کنار مردم ايران ايستاد

«ما ایرانی‌ها همیشه به بخشندگی، میهمان‌نوازی و قلب‌های گرم‌مان شناخته شده‌ایم. در روزها و شرایطی که بسیاری از خارجی‌ها به دلیل وضعیت کشورمان حاضر به حضور در ایران نبودند، ریکاردو ساپینتو با عشق به فوتبال، احترام به استقلال و علاقه به مردم ایران تصمیم گرفت به کشور ما بیاید. او با رفتار و حضورش تصویری واقعی‌تر و زیباتر از ایران به جهان نشان داد؛ تصویری که با آنچه برخی در خارج از مرزها می‌گویند بسیار متفاوت بود.

آقای تاج، شما خودتان در مصاحبه تلویزیونی به این موضوع اشاره کردید و گفتید که نباید آن روزها و آن شرایط را فراموش کنیم. اکنون نیز از شما خواهش می‌کنیم جلوه‌ای دیگر از بخشش و میهمان‌نوازی ایرانی را به نمایش بگذارید. مطمئن باشید چنین اقدامی به همدلی، دوستی و اتحاد بیشتر میان ما کمک خواهد کرد.اگر چنین شرایطی برای هر خارجی دیگری هم پیش می‌آمد، باز هم شایسته بود با همین رفتار و نگاه انسانی برخورد نشود. فراموش نکنیم آن روزها را؛ روزهایی که یک مربی پرتغالی در کنار مردم ایران ایستاد و ما نیز باید امروز در کنار او بایستیم.»

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۸۵٫۴۵۰۰۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶٫۶۱۰٫۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵٫۲۰۰٫۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰٫۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰٫۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰٫۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰٫۱۰۰٫۰۰۰ ●

روزنامه **مرزاقتصاد** فصلی-کتابخانه **شنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۴** شماره ۷۴۵ **www.marzeghtesad.ir**

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر



شهر داری در نگهداشت تهران موفق بود

مر تفضی اکبری -عمر عملکرد شهردار تهران در آستانه چهار سالگی قرار دارد؛ علیرضا زاکانی در هفدهم مرداد ۱۴۰۰از سوی شورای شهر انتخاب و کار خود را از یازدهم شهریور ماه آغاز کرد.

عمر عملکرد شهردار تهران در آستانه چهار سالگی قرار دارد؛ علیرضا زاکانی در هفدهم مرداد ۱۴۰۰ از سوی شورای شهر انتخاب و کار خود را از یازدهم شهریور ماه آغاز کرد. درحالی که عملکرد شهردار تهران با نقدهای متعددی از سوی بخشی از شهروندان و تعدادی از اعضای شورای شهر مواجه است؛ اما زاکانی طرفداران پروپاقرصی نیز دارد که معتقدند دستوردهای این دوره مدیریت شهری در حوزه‌های مختلف نسبت به شهرداران پیشین به مراتب بهتر بوده و بنابراین می‌توان از زاکانی به‌عنوان بهترین شهردار تهران یاد کرد.

قبولی با نمره کامل

سید محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در خصوص نمره به عملکرد شهردار تهران در آستانه پایان دوره ۴ ساله مدیریتی او گفت: نمره‌دهی به شهرداری باید بر مبنای بررسی عملکرد این دوره مدیریت شهری و مقایسه با دوره‌های قبل انجام شود؛ مقایسه دوره ۴ سال اخیر مدیریت شهری با دوره پیشین مدیریت شهری به وضوح بیانگر موفقیت علیرضا زاکانی در مدیریت شهر تهران است. در این دوره چند برابر دوره پیشین مدیریت شهری کار در پایتخت انجام شد، به نحوی که باید به شهردار تهران نمره کامل را داد. حتی اگر این دوره مدیریت شهری با دوره‌های خوب پیشین مدیریت شهری تهران، نظیر ۳ دوره منتهی به سال ۹۶ نیز مقایسه شود، باز هم می‌توان گفت که این دوره مدیریت شهری هم‌تراز و در برخی موارد حتی بهتر از مدیران جهادی گذشته از پس اداره امور شهر برآمده است.

موفقیت در توسعه فضای سبز و تمیزی شهر

رئیس کمیته عمران و زیرساخت در پاسخ به موفقیت یا عدم موفقیت شهردار تهران در انجام وظیفه «نگهداشت شهر» شامل رسیدگی به فضای سبز، تمیزی معابر و... گفت: توسعه و بهبود نگهداشت فضای سبز تهران یکی از موفقیت‌های این دوره مدیریت شهری بود؛ در دوره مدیریت آقای زاکانی، تعداد زیادی بوستان جدید در شهر تهران احداث شد. روند پیشبرد کمربند سبز شهر با سرعت خوب و به مراتب بیشتری از سال‌های قبل پیش رفت، به نحوی که شهرداری در این زمینه از برنامه و اهداف تعیین شده نیز بهتر پیش رفته است.

مساله تامین آب برای نگهداشت فضای سبز شهر تهران از موضوعات مهم مطرح شده در سال‌های اخیر است. طی این دوره، شهرداری تهران با هدف حفظ پایدار منابع

▼راز سقف‌شکنی اتریوم

بیت‌کوین و اتریوم در روزهای اخیر با نوسانات قیمتی چشم‌گیری همراه بوده‌اند و سرمایه‌گذاران چشم به ثبت رکوردهای تازه این دو رمزارز محبوب بازار کریپتو دوخته‌اند. تجربه نشان می‌دهد بازار رمزارزها به تحولات سیاسی و اقتصادی واکنشی سریع و قابل‌توجه دارد و حتی اخبار کوتاه‌مدت می‌تواند محرک تغییرات قابل ملاحظه قیمت‌ها باشد. روز گذشته، بیت‌کوین با رشدی ۴ درصدی از مرز ۱۲۰ هزار دلار گذشت و بار دیگر جایگاه خود را به‌عنوان پشروترین دارایی دیجیتال تثبیت کرد. هم‌زمان، اتریوم به عنوان دومین رمزارز بزرگ بازار با رشد ۴۰٫۱ درصدی نسبت به روزهای پیشین، از سطح ۴۳۰۰ دلار عبور کرد و به بالاترین قیمت سه سال اخیر خود رسید. اما این روند ادامه‌دار نبود و پس از ساعاتی از روز، هر دو دارایی با کاهش قیمت مواجه شدند. اکنون این پرسش مطرح است که چه عواملی زمینه‌ساز این رشد شده و آیا این روند صعودی در روزهای آینده نیز ادامه خواهد یافت یا به مسیر نزولی ادامه می‌دهند؟

در تاریخ ۷ اوت ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، دونالد ترامپ، دستور اجرایی را امضا کرد که به حساب‌های بازنشستگی (۴۰۱k) اجازه می‌دهد در دارایی‌های دیجیتال مانند رمزارزها سرمایه‌گذاری کنند. این اقدام به‌منظور گسترش گزینه‌های سرمایه‌گذاری و تنوع سبید دارایی‌های بازنشستگان انجام شده است. طبق این دستور، وزارت کار ایالات متحده موظف است دستورالعمل‌هایی را برای گنجاندن دارایی‌های دیجیتال در حساب‌های بازنشستگی تدوین کند. این تغییرات می‌تواند دسترسی به بازار رمزارزها را برای میلیون‌ها آمریکایی فراهم کند.

اینفوگرافیک

مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، اثرات بهداشتی و خسارات اقتصادی آلودگی هوا به عنوان دومین عامل مرگ‌ومیر را در ۸۳ شهر کشور با بیش از ۵۷میلیون نفر را در سال ۱۴۰۳ مورد مطالعه قرار داد. طبق نتایج این بررسی، در طول سال گذشته ۳۵ هزار و ۵۴۰ نفر به دلایل مرتبط با آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند.

کاهش فروش با تبلیغ «ژن خوب»

سنجیده انجام شده باشد؛ موضوعی که درباره یکی از برندهای شلوار آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت و این کار برای آن برند گران تمام شد. البته نقش چهره‌های نه‌چندان استفاده از شخصیت‌های معروف هنری و ورزشی برای تبلیغات کالاهای تجاری از جمله پوشاک شیوه‌ای متداول در دنیا می‌است، به ویژه اگر با شعارهای تبلیغاتی مناسب و تبلیغ بودن آن افزود. در هفته‌های گذشته تبلیغ ژن‌پرستانه برند نزدیک به ۱۰ درصد کاهش یابد.

تامین ۳۲۰۰ اتوبوس برای تهران

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران در خصوص تغییر وضعیت ترافیک و آلودگی هوای شهر که دوغدغه اصلی شهروندان تهرانی است در دوره ۴ ساله مدیریت زاکانی گفت: یکی از سیاست‌های اصلی شورای ششم و این دوره مدیریت شهری، گسترش حمل‌ونقل عمومی بود؛ چرا که معتقد بودیم با افزایش سهم حمل‌ونقل عمومی در جابه‌جایی‌های روزانه شهروندان تهرانی می‌توان ۲ چالش اصلی ترافیک و آلودگی هوای تهران را مرتفع کرد. در حال حاضر ۷۰ درصد جابه‌جایی‌ها در سطح شهر تهران از طریق وسایل حمل‌ونقل شخصی و ۳۰ درصد با حمل‌ونقل عمومی انجام می‌شود. این نسبت باید برعکس شود، اما تا زمانی که این نسبت وجود دارد، بحث آلودگی هوا و ترافیک به شکل فعلی وجود دارد.

طی ۳ سال اخیر، شهرداری و شورای ششم، بیش از ۴۰ درصد بودجه شهرداری تهران را به بخش حمل‌ونقل و ماموریت‌های مرتبط با آن اختصاص داد. ماموریت حمل‌ونقل یعنی ساخت خیابان و بزرگراه که بستری برای حمل‌ونقل است. همچنین در این دوره بر ارتقا کمی و کیفی وسایل حمل‌ونقل عمومی نیز تاکید شد که شامل افزایش تعداد اتوبوس، واگن‌های قطار و طول خطوط ریلی مترویی بود.

این دوره مدیریت شهری در ابتدای کار هزار و ۸۸۰ دستگاه اتوبوس را از شهرداری قبلی تحویل گرفت که البته تعداد زیادی از این اتوبوس‌ها نیز خراب بود و در واقع تهران تنها ۸۰۰ اتوبوس فعال داشت؛ امروز تعداد اتوبوس‌های فعال شهر تهران به ۲ هزار و ۲۰۰ دستگاه رسیده و مطابق برنامه‌ریزی و خریدهای انجام شده تعداد اتوبوس‌های تهران به بیش از ۶ هزار دستگاه خواهد رسید. در عین حال شهرداری تهران برای امسال برنامه واردات ۴۰۰ دستگاه اتوبوس BRT را نیز در دستور کار دارد. در صورتی که وعده تامین ۶ هزار اتوبوس برای تهران محقق شود، رکورد بیشترین تعداد اتوبوس فعال در سطح شهر تهران در طول تاریخ بدلیه شکسته می‌شود. در سال ۱۳۸۹ تعداد اتوبوس‌های فعال تهران به رکورد ۴۹۰۰ واحد رسید که بیش از ۳ هزار مورد آن توسط دولت تامین شده بود، اما در این دوره مدیریت شهری، اتوبوس‌های خریداری شده برای تهران بدون کمک دولت و از سوی شهرداری تامین شده است.

در بحث توسعه مترو نیز قراردادی برای خرید ۶۳۰ دستگاه واگن در سال ۱۳۹۶ منعقد شده بود، در دوره قبلی مدیریت شهری این قرارداد رها شده بود، اما در این دوره مجدد قرارداد مورد پیگیری قرار گرفت و در شرایط کنونی به نتیجه نیز رسیده است به نحوی که امیدواریم در دی ماه امسال اولین رام قطار تحویل داده شود و طی بازه ۲ تا ۲۵ ساله نیز هزار و ۷۰ واگن تحویل شهرداری تهران شود. با اجرایی شدن این خبرها و توسعه حمل‌ونقل عمومی می‌توان محدودیت ترافیکی برای مردم وضع کرد و انتظار داشت که از میزان آلودگی هوا کاسته شود. در واقع توسعه حمل‌ونقل عمومی پیش‌نیاز کاهش استفاده از وسیله نقلیه شخصی است.

در حال حاضر مترو تهران روزانه ۲ تا ۲۵میلیون نفر را جا به جا می‌کند، پس از رسیدن واگن‌های جدید ظرفیت به ۲ برابر می‌رسد و بیش از ۴میلیون نفر در روز جا به جا می‌شوند و می‌توان انتظار داشت که نسبت به ۷۰ درصد در وسایل حمل‌ونقل شخصی به عمومی برعکس شود.

در عین حال باید تاکید کرد که در این دوره مدیریت شهری، نگاه توسعه‌محور به بخش حمل‌ونقل عمومی وجود داشت، با این وجود برای تکمیل ناوگان حمل‌ونقل اتوبوس به ۱۰ هزار دستگاه اتوبوس جدید نیاز است تا در تمامی محلات تهران دسترسی سریع به اتوبوس میسر شود. در صورت تامین این تعداد اتوبوس و تکمیل خطوط مترو، امکان تغییر الگوی جابه‌جایی در شهر تهران از خودرو شخصی به وسایل حمل‌ونقل عمومی وجود دارد. حجت‌الاسلام آقامیری در پاسخ به این سوال که چرا مدیران شهری، به دنبال توسعه شهری انسان محور نیست گفت: خودرو محور یا انسان محور بودن به لحاظ نظری موضوعات جالبی برای بحث هستند، اما هرگونه ساخت بزرگراهی به مفهوم مخالفت با انسان محوری نیست. در این دوره مدیریت شهری کار ساخت ۲ بزرگراه در شهر تهران کلید خورد؛ بزرگراه شهید شوشتری که ۱۵ سال از طرح آن می‌گذشت و این دوره مدیریت شهری اجرای آن را آغاز کرد و در آینده نزدیک نیز با تکمیل ۹ کیلومتر از آن، فاز اول این بزرگراه به بهره‌برداری می‌رسد. دومین پروژه نیز بزرگراه شهید بروجردی بود که به‌رمز گذشت ۲۰ سال از تصویب، اما کار ساخت آن اجرایی نشده بود. طی این دوره مدیریت شهری فاز اول این پروژه افتتاح شد و در آینده نزدیک نیز فاز دوم آن به بهره‌برداری می‌رسد. با به بهره‌برداری رسیدن این ۲ پروژه از بار ترافیکی شهر تهران کاسته می‌شود و با ایجاد مسیری برای تردد ماشین‌های سنگین و تریلی از ترافیک معابر درون‌شهری کاسته می‌شود که این موضوع به سود شهروندان خواهد بود. در ضمن باید تاکید کرد که این بزرگراه‌ها در طرح تفصیلی تهران وجود داشته است. همچنین بخشی از معابر شهری به دلیل چالش‌هایی نظیر وجود معارض نیمه‌کاره رها شده بود که در این دوره مدیریت شهری تلاش شد تا این موارد با رفع معارض تکمیل شود.

کاهش تخلفات در کمیسیون ماده ۵

این عضو شورای شهر در خصوص «تنظیم جریان ساخت‌وساز و مجوزهای ساختمانی» در سطح شهر تهران و همچنین «کنترل نبض تغییر کاربری» گفت: در حال حاضر تنها کمیسیون ماده ۵ اختیار صدور مجوز ساخت‌وساز و تغییر کاربری متفاوت از طرح تفصیلی را دارد. شهرداری نیز از این پتانسیل برای افزایش تولید مسکن در سطح شهر تهران بهره گرفته است. به‌عنوان نمونه شهرداری تهران زمین‌های مربوط به ادارات و سازمان‌ها در کشور را شناسایی کرده و از طریق فراخوان، خواهان ساخت مسکن در این زمین‌ها شده است. همچنین اگر سازمانی امکان ساخت‌وساز در این زمین‌ها را نداشته باشد، شهرداری امکان ساخت‌وساز را از طریق مشارکت فراهم می‌کند. البته صدور مجوز ساخت‌وساز در شهر تهران بر مبنای نظر کمیسیون ماده ۵ نیز بر اساس ملاحظات طرح جامع و تفصیلی و با در نظر گرفتن جمعیت منطقه و سرنه‌های موردنیاز خواهد بود. در شرایط کنونی هر گونه تخلف در زمینه تغییر کاربری و تراکم‌فروشی در شهر تهران به کف رسیده است.

عکس نوشت



کارتون



اربعین حسینی در حرم امام حسین (ع) – کربلا

مرکوردشکنی بیت‌کوین

رورد رمزارزها به حساب‌های بانزنشستگی، استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران و همچنین سیاست‌ها و حمایت‌های دونالد ترامپ از بازار کریپتو را باید از دلایل این رشد دانست.

بیت‌کوین رمزارز محبوب جهانی، بار دیگر تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دچار نوسانات قیمتی شد و روز پنج‌شنبه به اوج تاریخی خود رسیدند.

بیت‌کوین از ابتدای سال جاری تاکنون رشدی ۳۲ درصدی را تجربه کرده و برای نخستین بار توانست کانال ۱۲۴ هزار دلاری را پشت سر بگذارد. اتریوم نیز از این روند بی‌نصیب نماند و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون افزایش ۵۱ درصدی را ثبت کرده و به بالای ۴۷۰۰ دلار رسید.

این روند نه تنها به دلیل استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی است، بلکه سیاست‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا نیز نقش مهمی در تقویت این موج داشته‌اند. درحالی‌که برخی کارشناسان نگران نوسانات بازار هستند، بسیاری دیگر بیت‌کوین را به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش ریسک‌پذیری و جذابیت سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌بینند.

چرایی رکورد بیت‌کوین

بیت‌کوین و اتریوم بار دیگر در مسیر صعودی قرار گرفتند و بازار رمزارزها را تحت تاثیر خود قرار دادند. انتظارات برای سیاست پولی آسان‌تر و تحولات مثبت در مقررات مالی باعث شده سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به این دارایی‌ها پیدا کنند.

تحلیلگران می‌گویند رشد بیت‌کوین و اتریوم نه تنها ناشی از خریدهای مداوم موسسات مالی است، بلکه اقدامات دولت برای تسهیل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیجیتال نیز نقش مهمی داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند صعودی می‌تواند ادامه یابد و رشد قابل‌توجه‌تری در راه باشد.

با تغییرات مقرراتی اخیر، بازار رمزارزها حالا محیطی مثبت‌تر برای سرمایه‌گذاران پیدا کرده است. ورود رمزارزها به حساب‌های بازنشستگی، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی ایجاد کرده و نشان می‌دهد این بازار بیش از گذشته در مرکز توجه قرار دارد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات همچنان بالا است و سرمایه‌گذاران باید با دقت و احتیاط عمل کنند. به دنبال این تحولات، ارزش کل بازار رمزارزها به بیش از ۴٫۱۸ تریلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که چند ماه قبل این رقم حدود ۲٫۵ تریلیون دلار بود. فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا دسترسی به دارایی‌های دیجیتال را در حساب‌های بازنشستگی (K) ۴۰۱ آسان‌تر کرده و می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی بزرگ فراهم کند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات این بازار همچنان بالاست و سرمایه‌گذاران باید جانب احتیاط را رعایت کنند. کارشناسان معتقدند ترکیبی از خریدهای

گسترده شرکت‌ها و حمایت‌های دولتی عامل اصلی این افزایش قیمت بوده است. «اندرو پیس»، مدیر سرمایه‌گذاری آسیا-پاسفیک در شرکت Russell Investments، بیت‌کوین را به «نسخه‌ای پیشرفته از شاخص نزدک» تشبیه کرده و تاکید می‌کند که این دارایی دیجیتال اکنون به یک معیار مهم برای سنجش ریسک‌پذیری در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از محرک‌های اصلی این رشد، فعالیت شرکت‌های موسوم به «خرانه‌داری بیت‌کوین» است. این شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت «Strategy» به رهبری مایکل سیلور، برای خرید بیت‌کوین و دیگر رمزارزها از ترکیبی از بدهی و سهام استفاده می‌کنند. در حال حاضر، حدود ۱۶۵ شرکت عمومی در جهان بخشی از دارایی‌های خود را به بیت‌کوین اختصاص داده‌اند. خریدهای گسترده این شرکت یک حلقه بازخورد مثبت ایجاد کرده و باعث شده بازار بیت‌کوین تا حد تجربه نوآورانه سرمایه‌گذاری، به یک منبع ساختاری فشار خرید تبدیل شود.

در کنار نقش شرکت‌ها، حمایت‌های دولتی نیز زمینه رشد قیمت بیت‌کوین را فراهم کرده است. فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، اجازه داد برنامه‌های بازنشستگی آمریکا بتوانند در دارایی‌های جایگزین از جمله رمزارزها سرمایه‌گذاری کنند. این تصمیم مسخیر وود گسترده سرمایه موسسات بزرگ به بازار کریپتو را هموار کرد و تقاضا برای بیت‌کوین و دیگر رمزارزها را افزایش داد.

رشد اخیر بیت‌کوین همچنین همزمان با عرضه اولیه موفق سهام صرافی رمزارزی «Bullish» در بورس نیویورک رخ داد. این صرافی که توسطمایلارد تکنولوسوی، پتر تیل، حمایت می‌شود، توانست ۱٫۱میلیارد دلار سرمایه جذب کند و قیمت سهام آن با افزایش قابل‌توجهی روبه‌رو شد.

این موفقیت نشان‌دهنده اعتماد شدید سرمایه‌گذاران به بازار رمزارزها و پتانسیل بالای شرکت‌های فعال در این حوزه است. البته ناگفته نماند که انتشار داده‌های تورمی آمریکا باعث شد تحلیلگران دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند و در پی آن، نوسانات قیمتی بیت‌کوین و اتریوم افزایش یابد. این روند موجب عقبگرد هر دو دارایی از رکوردهای قبلی خود شد.